



رساله شریفه
انقلاب اسلامی
در آیات و روایات

آیات و روایات مربوط به قبل از انقلاب
و آیات و روایات مربوط به انقلاب و قیام مردمی در
مقابل رژیم ستمشاهی و استقرار جمهوری
اسلامی

تهیه و تنظیم توسط
حجة الاسلام سید محمد باقری پور
در مؤسسه فرهنگی هدایت
www.hedayat.tv

انقلاب اسلامی در آیات و روایات

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. [نور: آیه ۵۵]

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین، جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من، شریک نسازند». امام صادق علیه السلام در تبیین این آیه میفرماید: نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ . درباره قائم و یارانش نازل شده است.

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَلَمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ [قصص آیه ۵ و ۶]

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم!

آیات و روایاتی که قبل از انقلاب مصداق داشت

پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به این سؤال که «خداوند برای چه تو را فرستاده؟» می فرماید: بِأَنْ تَوْصَلَ الْأَرْحَامَ، وَ تُحَقِّنَ الدِّمَاءَ، وَ تُؤَمِّنَ السُّبُلَ، وَ تُكْسِرَ الْأَوْثَانَ، وَ يُعْبَدَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ. [مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۵۳ ح ۱۷۰۱۳، مسند الشامیین: ج ۲ ص ۳۰ ح ۸۶۳، تاریخ دمشق: ج ۴۶ ص ۲۶۲] [خداوند] برای پیوند خویشاوندان، حفظ خون ها، امنیّت راه ها، شکستن بت ها و پرستش خدای یگانه و بی انباز [، مرا فرستاده است]. همچنین، امام علی علیه السلام اسلام را رمز امنیّت برای پیروان آن می داند [الحمد لله الذی شرع الإسلام... فجعله أمناً لمن علقه؛ ستایش، ویژه خدایی است که اسلام را تشریع فرمود... و آن را موجب امنیّت برای کسانی که به آن تمسک جویند، قرار داد (نهج البلاغة: خطبه ۱۰۵)] و یکی از اهداف خود را از پذیرش زمامداری، تأمین امنیّت اجتماعی ذکر کرده است و می فرماید: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَ لَا التِّمَاسَ شَيْءٍ مِّنْ فُضُولِ الْخُطَامِ، وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ. [نهج البلاغة: خطبه ۱۳۱، تحف العقول: ص ۲۳۹] (به نقل از امام حسین علیه السلام، با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۳۴ ص ۱۱۱ ح ۹۴۹؛ تذكرة الخواص: ص ۱۲۰] (به نقل از عبد الله بن صالح العجلی) [بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما سر زد، از سر قدرت طلبی یا برای به دست آوردن چیزی از

دارایی بی ارزش دنیا نبود؛ بلکه برای این بود که نشانه های دینت را باز گردانیم و در شهرهایت، آبادانی پدیدار سازیم تا بندگان ستم دیده ات در امنیت باشند و احکام بر زمین مانده ات بر پا داشته شوند.

یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ. [نساء آیه ۵۹] ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا اطاعت کنید و از پیامبر و اولو الأمر خود، اطاعت نمایید. نظام اسلامی بدون اطاعت از اولو الأمر، تحقق نمی پذیرد؛ زیرا در زندگی اجتماعی، اختلاف و تنازع، طبیعی است. از این رو، باید محور و ملاکی موجود باشد تا در مورد احکام و مقررات جامعه، حرف نهایی را بزند. پیام «آیه اولی الأمر»، این است که اطاعت از ولی امر، مقدمه پیدایش نظام است. با اطاعت از رهبری، نظام اسلامی شکل می گیرد. از پیامبر خدا (ص) نقل شده که فرمود: اِسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا لِمَنْ وُلاَّهُ اللَّهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ. [الأمالی، مفید: ص ۱۴ ح ۲] از کسانی که صاحبان امرند، شنوایی داشته باشید و فرمانشان را اجرا کنید که نظام اسلام، در آن است. ولی امر، امام معصوم است و در زمان حضور او، مسلمانان باید از او پیروی کنند؛ اما در زمان غیبت امام معصوم (ع) مردم چه باید بکنند؟ امام علی (ع) تکلیف مردم را در عصر رهبری غیر معصوم، مشخص کرده است. ایشان در قسمتی از سفارش نامه مالک اشتر به او می فرماید: «به قاضیان شهرهای خود بنویس تا هر حکمی را که در حق و ناحق بودنش اختلاف دارند، به تو ارجاع دهند. سپس آن احکام را بررسی کن و هر چه را موافق کتاب خدا و سنت پیامبر او و

دستور امام توسست، امضا کن و آنان را به اجرای آن، وا دار. هر چه بر تو مشتبه شد، دین شناسانی را که نزدت هستند، گرد آور و با ایشان، مباحثه کن و آن گاه، آرای دین شناسان مسلمان حاضر بر هر چه قرار گرفت، همان را امضا کن؛ زیرا هر حکمی که مورد اختلاف شهروندان است، به امام ارجاع می شود و بر امام است که از خدا، یاری جوید و در بر پا داری حدود و وا داشتن شهروندان به فرمان خدا بکوشد». [سیاست نامه امام علی (ع): ص ۵۲۱] بنا بر این، می توان گفت: این روایت، وظیفه ما در زمان غیبت را نیز مشخص می نماید؛ بدین معنا که اگر رهبر غیر معصوم، حکم خدا را تشخیص داد، آن را بیان می کند و اگر تردید داشت، با مشورت عالمان دینی به هر نظری رسید، آن رأی را اعلام مینماید و مردم، باید از فرمان او اطاعت کنند. شیخ صدوق از محمد بن عماره، از پدرش، از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: الْمُؤْمِنُ مُجَاهِدٌ لَّأَنَّهُ يُجَاهِدُ أَعْدَاءَ اللَّهِ تَعَالَى فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ بِالتَّقِيَّةِ وَ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ بِالسَّيْفِ. [علل الشرائع: ج ۲ ص ۴۶۷ ح ۲۲، بحار الأنوار: ج ۶۴ ص ۱۷۲] مؤمن [همواره] در حال جهاد است؛ زیرا او در دولت باطل، به وسیله تقیه و در دولت حق، با شمشیر، با دشمنان خدا جهاد می کند. {چنانکه بسیاری از یاران امام ره در زمان شاه مخفیانه کارهای انقلاب را پیش میبردند بعد از پیروزی انقلاب کارها را علنی کردند}

عبد الرحمان بن ابی لیلی می گوید: هنگام برخورد با سپاه شام، از علی (ع) شنیدم: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عُدُوَانًا يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا

يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرَّئَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِيَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ (نُور) نَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ. [نهج البلاغة: حکمت ۳۷۹]

ای مردم مؤمن! هر کس ستمی را که به کار گرفته می شود، یا منکری را که مردم به آن دعوت می شوند، ببیند و آن را به دل انکار کند، سالم می ماند و گناهی بر او نیست. و کسی که به زبان انکار کند، پاداش الهی دارد و مقامش از اولی بهتر است، و کسی که با شمشیر به انکار برخیزد تا شعار توحید، بلند شود و شعار ستمکاران، پست گردد، او کسی است که به راه رستگاری رسیده و بر راه خدا قیام نموده و نور یقین در دلش روشن گشته است. {چنانکه بسیاری از یاران امام ره در زمان شاه لسانا کارهای انقلاب را پیش میبردند بعد از پیروزی انقلاب سلاحها را بردوش گرفته و قیام خود را علنی کردند}

سدیر صیرفی می گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدم و به ایشان گفتم: شما چرا علیه حکومت وقت، قیام نمی کنید؟ به خدا سوگند، نشستن شما جایز نیست! فرمود: «چرا؟». گفتم: زیرا پیروان و دوستان و یاران شما زیادند. به خدا سوگند اگر امیرمؤمنان (ع) به اندازه شما پیرو و یار داشت، تیم و عدى در خلافت او طمع نمی کردند. امام (ع) فرمود: «سدیر! فکر می کنی پیروان من چه قدرند؟». گفتم: یکصد هزار نفر! امام (ع) فرمود: «یکصد هزار؟!». گفتم: آری و دویست هزار نفر دیگر! امام (ع) پرسید: «می گویی من دویست هزار پیرو دارم؟!». گفتم:

آری، و نیمی از دنیا! امام سکوت کرد و پس از گذشت لحظاتی فرمود: «ممکن است همراه ما به ینبع[منطقه ای است در اطراف مدینه] بیایی؟». گفتیم: آری... در راه، امام (ع) پسر بچه ای را دید که مشغول چرانیدن بزغاله هایش بود. با دیدن این منظره، رو به من کرد و فرمود: «سدیر! اگر من به شمار این بزغاله ها پیرو داشتم، نشستم بر من جایز نبود». از مرکب پیاده شدیم و نماز گزاردیم. پس از نماز، بزغاله ها را که شمردم، هفده رأس بود. [الکافی: ج ۲ ص ۲۴۲ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۴۷ ص ۳۷۲] {زمان امام خمینی ره با زمان امام صادق علیه السلام فرق میکرد، امام خمینی ره وقتی که دیدند یارانش به اندازه کافی هستند «چه آنها که در سالهای ۴۲ و... در صحنه بودند و چه آنها که در گهواره ها بودند و امام ره در انتظار تولد آنها بود» حجة تمام شد و احساس وظیفه قیام کرد لذا در مقابل حکومت ظالمانه تمام قد ایستاد}

در کتاب دعائم الإسلام از امام باقر (ع) روایت شده است: إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ عِدَّةٌ أَهْلٍ بَدَرَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَالتَّغْيِيرُ. [بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۴۹ ح ۱۸] (به نقل از دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۴۲ که در نسخه ما به جای «برای امام»، «برای اسلام» دارد) [هنگامی که برای امام به شماره رزمندگان جنگ بدر، سیصد و سیزده نفر، نیرو فراهم شود، قیام و دگرگون کردن نظام بر او واجب است. {امام خمینی ره وقتی که دیدند یارانش به اندازه کافی هستند «چه آنها که در سالهای ۴۲ و... در صحنه بودند و چه آنها که در گهواره

ها بودند و امام ره در انتظار تولد آنها بود» حجة تمام شد و احساس وظیفه قیام کرد لذا در مقابل حکومت ظالمانه تمام قد ایستاد { در قرآن، آیات فراوانی، مسلمانان را به امر به معروف و نهی از منکر، و مبارزه با ظلم و ظالم و فساد و تباهی ترغیب می کنند و آنان را به تلاش جهت استقرار نظام ارزشی الهی تشویق می نمایند که در این جا تنها به دو نمونه اشاره می کنیم: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . [آل عمران: آیه ۱۰۴] و باید از شما گروهی باشند که [دیگران را] به نیکی بخوانند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت باز دارند، و آنهايند که رستگارند». «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». [آل عمران: آیه ۱۱۰] شما بهترین امتی هستید که برای مردمان، پدیدار شده اید؛ [زیرا] به کارهای پسندیده فرمان می دهید و از کارهای ناپسند، باز می دارید». این آیات و آیات مشابه، [ر.ک. توبه: آیه ۷۱ و ۱۱۲] تلاش برای اقامه ارزش های اعتقادی، اخلاقی و عملی و مبارزه با انواع ظلم و فساد و تباهی را وظیفه عمومی امت اسلامی و خصوصیت بارز آنها می دانند، و بی تردید، به زمان خاصی اختصاص ندارند. در قرآن، همچنین آیات فراوانی، جامعه اسلامی را به مبارزه و پیکار در راه خدا دعوت می نمایند، مانند: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ

وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا
 وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا
 أَوْلِيََاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا. [نساء: آیه ۷۴ - ۷۶]

پس کسانی باید در راه خدا کارزار کنند که زندگی این جهان را به آن
 جهان می فروشند، و هر که در راه خدا کارزار کند، پس کشته شود یا
 پیروز گردد، به او مزدی بزرگ خواهیم داد. و شما را چه شده که در
 راه خدا کارزار نمی کنید و آن ناتوان شمرده شدگان از مردان و زنان
 و کودکانی که می گویند: «پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش
 ستمکارند، بیرون ببر و برای ما از نزد خویش سرپرستی قرار ده و
 برای ما از نزد خویش یآوری بر بگمار؟!» کسانی که ایمان آورده اند،
 در راه خدا کارزار می کنند و کسانی که کافر شده اند، در راه طاغوت
 (بت یا طغیانگر) پیکار می کنند. پس با دوستان شیطان بجنگید؛ که
 نیرنگ شیطان، همواره سست است». این آیات و آیات مشابه نیز مردم
 مسلمان را به جنگیدن در راه خدا دعوت می نمایند، روشن است که
 مقصود از راه خدا، راه استقرار نظام اسلامی و اقامه ارزش ها و مبارزه
 با انواع بزهکاری ها و ناهنجاری هاست. پس این آیات هم به زمان
 خاصی اختصاص ندارند. محمد بن عرفه، از امام رضا(ع)، از پیامبر
 خدا(ص) روایت کرده که فرمود: إِذَا أُمِّتِي تَوَاكَلْتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
 النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى. [الكافی: ج ۵ ص ۵۹
 ح ۱۳، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷۷ ح ۳۵۸، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص

[۹۲] هر گاه امت من، امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند، باید خود را برای حوادثی از جانب خداوند، آماده نمایند. در حدیثی دیگر، مسعدة بن صدقه، از امام صادق (ع)، روایت کرده: قال النبی (ص): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيُبْعِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ لَهُ: وَمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ. [الكافی: ج ۵ ص ۵۹ ح ۱۵] پیامبر خدا (ص) فرمود: «خداى بزرگ، از مؤمن سستی که دین ندارد، خشناک است». پرسیدند: مؤمنی که دین ندارد، کدام است؟ فرمود: «آن که نهی از منکر نمی کند». محمد بن عرفة در حدیثی دیگر از امام رضا (ع) نقل کرده: لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُسْتَعْمَلَ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ. [الكافی: ج ۵ ص ۵۶ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷۶ ح ۳۵۲] باید امر به معروف کنید و نهی از منکر نمایید، وگرنه بدهایتان بر شما مسلط می شوند و هر چه نیکان شما دعا کنند، دعایشان مستجاب نمی شود. عبد الرحمان بن ابی لیلی می گوید: هنگام برخورد با سپاه شام، از علی (ع) شنیدم: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عُدُوَانًا يَعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِئَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ (تَوَزَّرَ) نَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ. [نهج البلاغة: حکمت ۳۷۹] ای مردم مؤمن! هر کس ستمی را که به کار گرفته می شود، یا منکری را که مردم به آن دعوت می

شوند، ببیند و آن را به دل انکار کند، سالم می ماند و گناهی بر او نیست. و کسی که به زبان انکار کند، پاداش الهی دارد و مقامش از اولی بهتر است، و کسی که با شمشیر به انکار برخیزد تا شعار توحید، بلند شود و شعار ستمکاران، پست گردد، او کسی است که به راه رستگاری رسیده و بر راه خدا قیام نموده و نور یقین در دلش روشن گشته است. و در حدیثی دیگر، بکر بن محمد از امام صادق (ع) نقل کرده است: *أَيُّهَا النَّاسُ آمَرُوا (اُمُرُوا) بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يُقَرَّبَا أَجْلاً وَ لَمْ يُبَاعِدَا رِزْقاً. [تفسیر القمی: ج ۲ ص ۳۶، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۷۳ ح ۱۰] ای مردم! امر به معروف و نهی از منکر کنید. امر به معروف و نهی از منکر، اجلی را نزدیک نساخته اند و روزی ای را دور نکرده اند. بی تردید، مدلول احادیث امر به معروف و نهی از منکر - که تنها شمار اندکی از آنها گذشت - [برای آشنایی با این احادیث، ر. ک: وسائل الشیعة: ج ۱۶ (کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر)] بویژه احادیثی که بر نقش اصولی امر به معروف و نهی از منکر در اقامه مطلق ارزش های اسلامی تأکید دارند، یا ترك این فریضه را موجب کیفر الهی و مسلط شدن اشرار بر جامعه اسلامی می دانند، یا بهره گیری از قدرت را برای اقامه آن، ضروری دانسته اند، و یا توصیه می کنند که مبادا به خاطر ترس از مرگ و کوتاه شدن عمر و کم شدن روزی، دست از مبارزه بردارید که اقامه این فریضه، نه عمر را کوتاه می کند و نه روزی را کم! عبد الله بن مسعود در حدیثی نقل کرده که*

روزی پیامبر خدا(ص) برای گروهی از یاران خود، از حوادث تلخی که پس از او در تاریخ اسلام روی خواهد داد، خبر داد و بیان فرمود: در آینده، قرآن و سلطان با هم فاصله می گیرند و زمامداران حاکم بر امت اسلام، از قرآن جدا می شوند. سپس وظیفه مسلمانان را در چنین شرایطی، چنین تعیین نمود که به هر سو قرآن حرکت کرد، همراه آن حرکت کنند، و نیز خبر داد که در آینده، امامان ستمگری بر مسلمانان حکومت خواهند کرد که اگر از ایشان اطاعت کنند، آنان را گم راه خواهند کرد و اگر علیه ایشان عصیان نمایند، آنان را خواهند کشت! او در ادامه نقل کرده که: اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا! در چنین شرایطی چه کنیم؟ پیامبر(ص) پاسخ فرمود: کُونُوا كَأَصْحَابِ عِيسَى: نُصِبُوا عَلَى الْخَشَبِ، وَ تُشْرَوُ بِالْمَنَاشِيرِ. مَوْتُ فِي طَاعَةِ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَةٍ. [ر.ك: بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۲۰۷ باب ۹ (إِنَّهُمْ لَا يَمُوتُونَ إِلَّا بِالشَّهَادَةِ)] همچون اصحاب عیسی باشید؛ به دار آویخته شدند و با اژه، قطعه قطعه گردیدند. مرگ در فرمان برداری [از خدا]، بهتر از زندگی در نافرمانی از اوست. همچنین ابو عطا در حدیثی می گوید: روزی امیر مؤمنان علی بن ابی طالب(ع) با چهره ای اندوهناک به طرف ما آمد و فرمود: «چه می کنید با زمانی که به زودی بر شما سایه خواهد افکند؟ هنگامی که حدود الهی تعطیل می شوند و ثروت مردم به دست حُکام، تاراج می گردد و با دوستان خدا، دشمنی و با دشمنان خدا، دوستی می شود؟». گفتیم: شما بفرمایید، اگر ما آن زمان را درک کردیم، وظیفه چه خواهد بود؟ امام نیز همان پاسخ

پیامبر خدا(ص) را دادند که: مانند اصحاب عیسی باشید که بدن آنها را با اژه قطعه قطعه کردند و بر چوبه دار آویختند. مرگ در اطاعت خدا، بهتر از زندگی در معصیت اوست. [دستور معالم الحکم: ص ۱۱۴] ابن عباس نیز از پیامبر(ص) نقل کرده است: سَيَكُونُ امْرَأٌ تَعْرِفُونَ وَ تُنْكِرُونَ؛ [این جمله، ممکن است اشاره باشد به آنچه در برخی از احادیث دیگر آمده که: «ستكون عليكم امراء يأمرونكم بما لاتعرفون و يعملون بما تنكرون...» (المصنّف، ابن ابی شیبہ: ج ۸ ص ۶۹۶ ح ۶۸)] فَمَنْ نَابَذَهُمْ نَجَا، وَ مَنْ اعْتَزَلَهُمْ سَلِمَ، وَ مَنْ خَالَطَهُمْ هَلَكَ. [المعجم الكبير: ج ۱۱ ص ۳۳ ح ۱۰۹۷۳، الجامع الصغير: ج ۲ ص ۶۴ ح ۴۷۸۱] زمامدارانی بر شما حکومت خواهند کرد که از شما می خواهند بر خلاف آنچه از اسلام می دانید، عمل کنید. پس هر که با آنان مخالفت و دشمنی کند، نجات می یابد، و هر کس از ایشان کناره بگیرد، سالم می ماند، و هر کس با آنان همنشینی داشته باشد، هلاک می شود. {این آیات و روایات حکایت قبل از برقراری جمهوری اسلامی و زمان حکومت طاغوتیان و تکالیف آنانی که در آن زمان بودند در برابر طاغوتیان را منعکس میکند که بسیاری در اجرای این روایات از جان و مال خویش گذشته بودند و زندان و شکنجه و بذل جان و مال را بخود خریده بودند...}

امام خمینی رحمه الله می فرماید: استکبار، وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه ها مأیوس شد، دو راه را برای ضربه زدن انتخاب نمود: یکی راه ارباب و زور، دیگری، راه خدعه و نفوذ. در قرن معاصر،

وقتی حربه ارعاب و تهدید، چندان کارگر نشد، راه های نفوذ، تقویت گردید. اولین و مهم ترین حرکت، القای شعار «جدایی دین از سیاست» است که متأسفانه این حربه در حوزه روحانیت تا اندازه ای کارگر شده است، تا جایی که دخالت در سیاست، دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون، تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می آورد... ضربات روحانیت نا آگاه و آگاه وابسته، به مراتب، کاری تر از اغیار بوده و هست. در شروع مبارزات اسلامی، اگر می خواستی بگویی: شاه خائن است، بلافاصله جواب می شنیدی که شاه شیعه است! ترویج تفکر «شاه، سایه خداست» و یا «با گوشت و پوست نمی توان در مقابل توپ و تانک ایستاد» و این که «ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم» و یا «جواب خون مقتولین را چه کسی می دهد؟» و از همه شکننده تر، شعار گم راه کننده «حکومت قبل از ظهور امام زمان (ع) باطل است»، و هزاران «این قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جان فرسایی بودند که نمی شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات، جلوی آنها را گرفت. تنها راه حل، مبارزه و ایثار و خون بود. [صحیفه امام: ج ۲۱ ص ۲۷۸ (پیام امام به مراجع اسلام، ۳/۱۲/۶۷)]

عمر بن حنظله می گوید: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا بَيْنَهُمَا مُنَازَعَةٌ فِي دِينٍ أَوْ مِيرَاثٍ فَتَحَاكَمَا إِلَى السُّلْطَانِ وَإِلَى الْقُضَاةِ أَيُّجُلُ ذَلِكَ؟ قَالَ: مَنْ تَحَاكَمَ إِلَيْهِمْ فِي حَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ فَإِنَّمَا تَحَاكَمَ إِلَى الطَّاغُوتِ وَ مَا يَحْكُمُ لَهُ فَإِنَّمَا يَأْخُذُ سُحْتًا وَإِنْ كَانَ حَقًّا ثَابِتًا لَأَنَّهُ أَخَذَهُ بِحُكْمِ الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يَكْفَرَ بِهِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَرِيدُونَ

أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ».[نساء، آیه ۶۰]
 قُلْتُ: فَكَيْفَ يَصْنَعَانِ؟ قَالَ: يَنْظُرَانِ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى
 حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكَمًا
 فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا
 اسْتَحَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا زَدُّ وَ الزَّادُ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ
 الشِّرْكِ بِاللَّهِ؛[کافی، ج ۱، ص ۶۷] از امام صادق (ع) در مورد دو مردی
 از شیعیان سؤال کردم که در مورد بدهی یا ارث با هم نزاع کنند و
 برای قضاوت نزد سلطان و قاضیان بروند. پرسیدم: آیا چنین کاری
 جایز است؟ فرمود: هر که داوری پیش نزد اینان برد - چه در راه حق
 و چه در باطل - در واقع داوری نزد طاغوت (حاکم ستمگر) برده
 است و آنچه می گیرد حرام است هر چند حق مسلم او باشد؛ زیرا با
 حکم طاغوت گرفته است حال آن که خداوند دستور داده است به
 طاغوت کفر ورزیده شود. خداوند می فرماید: میخواهند داوری میان
 خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته اند که بدان
 کفر ورزند. پرسیدم: چه کنند؟ امام فرمود: سراغ کسی از خودتان (از
 شیعیان) بروند که حدیث ما را روایت می کند و به حلال و حرام ما
 می نگرد و احکام ما را تشخیص می دهد. پس در این صورت باید به
 داور او تن دهند زیرا من او را بر شما حاکم قرار دادم. هرگاه بر اساس
 حکم ما داوری کند اما از او نپذیرفتند، در حقیقت حکم خدا را خوار
 شمرده اند و سخن ما را رد کرده اند و هر که ما را رد کند خدا را رد
 کرده و این عمل در حدّ شرک به خداست. و همچنین امام صادق (ع)

خطاب به ابو خدیجه هنگامی که او را به سوی اصحاب خود فرستاد، فرمود: قُلْ لَهُمْ: إِيَّاكُمْ إِذَا وَقَعَتْ بَيْنَكُمْ خُصُومَةٌ أَوْ تَدَارَى بَيْنَكُمْ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَخْذِ وَالْعَطَاءِ أَنْ تَتَحَاكُمُوا إِلَى أَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ الْفُسَاقِ، اجْعَلُوا بَيْنَكُمْ رَجُلًا مِمَّنْ قَدْ عَرَفَ حَالَئَنَا وَحَرَامَنَا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ قَاضِيًا، وَ إِيَّاكُمْ أَنْ يَخَاصِمَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا إِلَى السُّلْطَانِ الْجَائِرِ؛ [تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۸۴۶] به آنان بگو: مبدا هرگاه میان شما مرافعه ای پیش آمد یا درباره چیزی از قرض و طلب میانتان اختلافی شد، کار داوری را به نزد یکی از این فاسقان ببرید. [بلکه] از میان خود مردی را که با حلال و حرام ما آشناست داور قرار دهید؛ زیرا من او را داور قرار داده ام. زنهار که برای رفع دعوای خود به سلطان ستمگر مراجعه کنید. {متأسفانه قبل از انقلاب تحاکم الی الطاغوت بود و امام خمینی ره در آن زمان میفرمودند تحاکم الی الطاغوت حرام است. البته از باب اکل میته افراد ناچار بودند که تحاکم الی الطاغوت داشته باشند}

تحقق یک آرزوی بزرگ

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس سره طاب ثراه، آرزوی دیرینه تمامی آزادگان و مسلمانان تاریخ بود که برای آن تلاش کردند و مجاهدت ها نمودند، اما به آن دست نیافتند. در عصر ما با رهبری خردمندانه پیر جماران و الهام از نهضت عاشورای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام این مهم تحقق یافت و طومار رژیم

۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در هم پیچیده شد و سرانجام ملت مسلمان ایران با رأی و نظر خود، حکومتی مردمی، دینی و مستقل و بدون وابستگی به ابر قدرت های شرق و غرب تشکیل داد. در شرایطی که جهان به دو قطب سرمایه داری و کمونیستی تقسیم شده بود و هیچ نظامی بدون وابستگی به یکی از این دو قطب وجود نداشت و هیچ ملت، لیدر و سردمدار نهضتی، تشکیل نظامی بدون وابستگی به یکی از این دو را نمی توانست تصور کند، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران، از همان اول به پیروان خود و ملت مسلمان ایران آموخت که نجات ما در تشکیل یک نظام مستقل «نه شرقی نه غربی» است؛ لذا از شعارهای اصلی مردم در راهپیمایی ها، شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» بود.

رمز پیروزی ملت مسلمان ایران بر طاغوت و ابر قدرت های استثمارگر، ایمان و شهادت طلبی آنان بود که پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و قرآن مجید به آن اشاره کرده اند. در آیه ۳۸ سوره محمد صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به اعراب آمده است: «... و... ن تتولوا یستبدل قوما غیرکم ثم لا یكونوا أمثالکم» «اگر شما به اسلام پشت کنید، خداوند قومی را جایگزین شما می کند که مانند شما نباشد». ابوهریره در تفسیر این آیه می گوید: جمعی از یاران رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم این قوم که خداوند در کتابش از آنان یاد کرده است، کیانند؟ جناب سلمان رحمت الله علیه کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

وسلم بود، حضرت دست روی زانوی سلمان زده و فرمودند: این مرد و قوم او هستند، اگر ایمان در ستاره ثریا باشد، مردانی از فارس به آن دست یابند. [تفسیر صافی ۱۷۳/۵، مجمع البیان ۴۲۹/۱۰].

انقلاب اسلامی ایران در قرآن

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. [نور: آیه ۵۵]

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین، جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من، شریک نسازند.

و تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَلَمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ [قصص آیه ۵ و ۶]

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ [مائده آیه ۵۴]. مجمع البیان و تفسیر نمونه: پیامبر گرامی در پاسخ از پرسشی در مورد تفسیر این آیه شریفه، دست خویش را بر شانه «سلمان» زد و فرمود: منظور، این مرد و هموطنان اوست. و روی آن النَّبِی صلی الله علیه وآله سئل عن هذه الآية فضرب بيده على عاتق سلمان فقال: هذا و ذوه، ثم قال صلى الله عليه وآله: لو كان الدِّين بالثَّريَّا تناوله رجال من ابناء فارس...». (تفسیر نورالثقلین - مجمع البیان جلد سوم صفحه ۲۰۸ - نور الثقلین جلد اول صفحه ۶۴۲) آن گاه افزود: اگر دین و آیین خدا در آسمان ها و به ستاره «ثریا» نیز بسته شده باشد مردانی از فارس حقیقیانه آن را خواهند یافت و پس از نایل آمدن به آن به مقرراتش عمل خواهند کرد.

وَ آخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ [جمعه آیه ۳]. و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند؛ و او عزیز و حکیم است! مجمع البیان و نمونه: «روی ذلک عن ابی جعفر (ع) و روی أن النبی (ص) قرأ هذه الآية، فقيل له من هؤلاء؟ فوضع يده على كتف سلمان و قال لو كان الايمان فى الثريا لنالته رجال من هؤلاء» [بحار، ج ۱۶، ص ۳۱۰]. آنگاه که پیامبر این آیه را تلاوت فرمودند، سوال شد که این قوم «وَ آخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا

يُحَقِّقُوا بِهِمْ» کیانند؟ ایشان دست بر شانه سلمان نهادند و فرمودند، اگر ایمان بر در ثریا بود، مردانی از اینان آن را درمی یافتند!

و إِنَّ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ [محمدآیه ۳۸] و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می آورد پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می کنند). مجمع البیان: «و روی ابوهریره آن ناسا من اصحاب رسول الله (ص) قالوا یا رسول الله! من هؤلاء الذین ذکر الله فی کتابه و کان سلمان الی جنب رسول الله (ص) فضرب یده علی فخذ سلمان فقال هذا و قومه و الذی نفسی بیده لو کان الایمان منوطا بالثریا لتناولہ رجال من فارس؛ سپس روایاتی از ابوبصیر به نقل از امام صادق (ع) آورده است که آن را تایید می کند. ابوهریره می گوید گروهی از مردم از رسول خدا پرسیدند: اینان که خدا در کتابش از آنان یاد کرده است «يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» کیستند؟ پیامبر خدا دست بر ران سلمان فارسی که در کنارشان نشسته بود زدند و فرمودند: این مرد و قومش! سوگند به خدا اگر ایمان بر ثریا آویخته بود، مردانی از فارس بدان می رسیدند.

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا [اسراء آیه ۴-۶] ما به بنی اسرائیل در کتاب

(تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود. هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما میانگیزیم (تا شما را سخت در هم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه‌ها را جستجو می‌کنند؛ و این وعده ای است قطعی! سپس شما را بر آنها چیره می‌کنیم؛ و شما را به وسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد؛ و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می‌دهیم؛ خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم. حضرت این آیه را تلاوت فرمود: هنگامی که زمان عقوبت و کیفر فساد و تبهکاری شما بنی اسرائیل فرا رسد، گروهی از بندگان خود را که دارای قاطعیت و شدت عمل و مقاومت بسیار هستند برای مجازات بر شما مسلط می‌کنیم، و ایشان در میان شهرها شما را جستجو می‌کنند تا در صورتی که یکی از شما به کیفر عمل خود نرسیده باشید او را کیفر دهند، و این وعده خدا حتمی است. راوی می‌پرسد: «جعلنا فداک من هؤلاء؟ فقال ثلاث مرات: هم والله اهل قم!» [بحارالانوار، ج ۵۷ ص ۲۱۶]. فدایت گردیم کیانند اینان «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا اُولٰٓئِیْ بِاَسِيٍّ شَدِيدٍ» حضرت سه بار فرمودند بخدا سوگند آنان اهل قم هستند .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالْفَجْرِ «۱» وَلِیَالٍ عَشْرِ «۲» وَالشَّفْعِ
وَالْوَتْرِ «۳» وَاللَّیْلِ اِذَا یَسُرُ «۴» هَلْ فِیْ ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِیْ حِجْرِ «۵»
اَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ «۶» اِِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ «۷» الَّتِیْ لَمْ
یَخْلُقْ مِثْلَهَا فِی الْبِلَادِ «۸» وَثَمُودَ الَّذِیْنَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ «۹»

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ «۱۰» الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ «۱۱» فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ «۱۲» فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ «۱۳» إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ «۱۴»

انقلاب اسلامی در روایات

عبد الله بن حارث، از پیامبر خدا (ص) روایت کرده که فرمود: يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤْتَوْنَ لِلْمَهْدِيِّ (ع) ، - يَعْنِي سُلْطَانَهُ - . [بحار الأنوار: ج ۶ ص ۱۰ ح ۱۰۱۴] مردمی از شرق قیام می کنند و زمینه حکومت [جهانی] مهدی (ع) را فراهم می سازند.

ابو خالد کابلی از امام باقر (ع) نقل کرده: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا، وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ، قَتَلَهُمْ شُهَدَاءٌ، أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. [بحار الأنوار: ج ۶ ص ۱۱ ح ۱۰۱۵] گویی مردمی را می بینم که از مشرق زمین به پا می خیزند و حق جویی می کنند؛ ولی حَقَّشان را نمی دهند. باز حق طلبی می کنند و باز حَقَّشان داده نمی شود و هنگامی که چنین می بینند، سلاح هایشان را بر دوش می گیرند و آنچه را خواسته بودند، در اختیارشان قرار می دهند؛ ولی اینان نمی پذیرند و قیام می کنند [و حکومت را به دست می گیرند] و آن را به کسی جز صاحب شما نمی

دهند. کشته هایشان شهیدند. بدانید که اگر من آن [زمان] را درک کنم، بقای خود را برای صاحب این امر [از خدا] خواهم خواست.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى الْجَنْدَلِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (ع) قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تُزِلُّهُمْ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُنُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. [بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، باب ۳۶] علي بن عیسی از ایوب بن یحیی از امام موسی بن جعفر (ع) روایت می کند که آن حضرت فرمودند: مردی از اهل قم مردم را به سوی حق دعوت می کند و قومی گرداگرد او جمع می شوند به صلابت پاره های فولاد، تند بادهای آنان را نمی سوزاند و از جنگ خسته نمی شوند و ترس به خود راه نمی دهند و بر خدا توکل می کنند و سرانجام، پیروزی از آن متقین است.

الإمامُ الكاظمُ (ع): رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، لَا تُزِلُّهُمْ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ، وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ، وَلَا يَجْبُنُونَ، وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. [بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۷] امام کاظم (ع) فرمود:

مردی از قم مردم را به حق فرا می خواند و بر گرد او مردمانی فراهم می آیند که چونان پاره های آهن استوارند، طوفان ها آنها را به لرزه نمی اندازد و از جنگ خسته نمی شوند و بزدلی نشان نمی دهند، به خدا توکل دارند و فرجام از آن پرهیزگاران است.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ أَمَا إِنِّي لَوُ أَذْرِكُتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبٍ هَذَا الْأَمَّةِ [غيبت نعمانی، ج ۵۰، ص ۲۷۳] امام باقر علیه السلام فرموده: گویا من قومی را می بینم که از مشرق زمین خروج کرده، حق خود را می طلبند، ولی به آنان نمی دهند، دیگر باره حق خود را می خواهند و به آنان نمی دهند، وقتی چنین دیدند سلاح خود را بر دوش نهاده آنگاه حق آنان را می دهند، ولی آنان نمی پذیرند تا این که قیام کنند و این حکومت را به جز صاحبشان به کسی تحویل نخواهند داد و اینان کشته هایشان شهیدند.

الْبَابُ الْخَامِسُ فِي ذِكْرِ نُصْرَةِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ لِلْمَهْدِيِّ «عج» عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ جَزْءِ الزُّبَيْدِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَخْرُجُ أَنَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْني سُلْطَانَهُ هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ رَوَاهُ الثَّقَاتُ وَ الْأَثْبَاتُ أَخْرَجَهُ الْحَافِظُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مَاجَةَ الْقَرْوِينِي فِي سُنَنِهِ [بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷] زبیدی گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: مردمی از مشرق زمین، قیام کنند و زمینه را برای مهدی (عج) فراهم کنند؛ «یعنی زمینه حکومت را برای او فراهم سازند» و این حدیث حسن و

صحیح است و راویان موثق آن را نقل کرده اند، و حافظ ابو عبدالله بن ماجه قزوینی نیز در کتاب سنن خود آن را آورده است.

الإمام الصادق (ع): إِنَّ اللَّهَ اخْتَجَّ بالكوفةِ على سائرِ البلادِ، و بالمؤمنين من أهلها على غيرهم من أهل البلادِ، و اخْتَجَّ ببلدة قم على سائر البلادِ، و بأهلها على جميع أهل المشرق و المغرب من الجن و الإنس، و لم يدع الله قم و أهله مُستضعفا بل و فقهم و أيدهم... و سيأتي زمانٌ تكونُ بلدة قم و أهلها حُجةً على الخلائق، و ذلك في زمان غيبة قائمنا (ع) إلى ظهوره، و لو لا ذلك لساخت الأرض بأهلها. و إِنَّ الملائكة لتدفعُ البَلایا عن قم و أهلها، و ما قصده جبارٌ بسوءٍ إلا قصمه قاصمُ الجبارين. [بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳، ح ۲۲] امام صادق (ع) فرمود: خداوند کوفه را برای دیگر جاها و مؤمنان آن را برای مؤمنان دیگر سرزمین ها حجت قرار داد و شهر قم را برای سایر شهرها و مردم آن را برای همه اهالی شرق و غرب عالم، از جن و انس، حجت قرار داد. خداوند، شهر قم و مردم آن را مستضعف و ناتوان رها نکرد، بلکه آنان را توفیق داد و تأیید نمود... روزگاری خواهد آمد که شهر قم و مردمان آن بر دیگر مردمان حجت باشند. آن روزگار از زمان غیبت قائم (ع) ماست تا هنگام ظهورش. اگر چنین نبود زمین اهل خود را در کامش فرو می برد. فرشتگان بلایا را از قم و مردم قم دور می کنند. هیچ ستمگری آهنگ بدی به آنان نمی کند مگر آن که در هم شکننده ستمگران او را در هم می شکنند.

الإمام الصادق (ع): سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَأْرِزُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَةُ فِي جُحْرِهَا، ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلَدَةِ يَقَالُ لَهَا قُمْ، وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْجِبَالِ، وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهورِ قَائِمِنَا، فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَأَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، وَلَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ، فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَالْعِلْمَ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ (عج). [بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳، ح ۲۳] امام صادق (ع) فرمود: بزودی کوفه از مؤمنان تهی خواهد گشت و علم از آن رخت برخواهد بست همانند ماری که در سوراخش پنهان می شود. آن گاه علم در شهری آشکار خواهد شد به نام قم. این شهر معدن علم و فضل می شود، تا آن جا که بر روی کره زمین کسی نمی ماند که در دین ضعیف و ناتوان باشد حتی زنان پرده نشین؛ و این [واقعۀ] نزدیک ظهور قائم ماست. خداوند قم و مردم آن را جانشین مقام حجّت می کند. اگر چنین نبود هر آینه زمین اهل خود را فرو می بلعید و در روی زمین حجّتی باقی نمی ماند. علم از این شهر به شهرهای دیگر در شرق و غرب عالم سرازیر می شود و بدین سان حجّت خدا بر بندگان تمام می شود؛ چندان که در کره خاک کسی نمی ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد. سپس قائم (ع) ظهور می کند.

حضرت مهدی (عج) : ...إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ... [احتجاج طبرسی ج ۲، ص ۴۹۵]. حضرت مهدی (عج) رسیده است که فرمودند : ... ما نسبت به شما بی توجه نیستیم و شما را فراموش نمی کنیم و اگر چنین نبود، بلاها بر شما نازل می شد، و دشمنان، شما را ریشه کن می نمودند...

رسول الله صلی الله علیه وآله : لَوْ كَانَ الدِّينُ عِنْدَ الثَّرِيَا لَذَهَبَ بِهِ رَجُلٌ مِّنْ فَارِسٍ - أَوْ قَالَ - مِّنْ أَثْنَاءِ فَارِسٍ حَتَّى يَتَنَاوَلَهُ، (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) اگر دین به ستاره ثریا رسد، هر آینه مردی از سرزمین پارس - یا این که فرموده از فرزندان فارس - به آن دست خواهند یازید. (صحیح مسلم، ص ۴ ص ۱۹۷۲، کتاب فضائل الصحابه، حدیث ۲۳۰، و همان، ج ۲، ص ۴۱۷ چاپ بولاق)

إِذَا نَزَلَتْ عَلَيْهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) سُورَةُ الْجُمُعَةِ، فَلَمَّا قَرَأَ: وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ... [جمعه آیه ۳] قَالَ رَجُلٌ مِّنْ هَؤُلَاءِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَلَمْ يُرَاجِعْهُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم)، حَتَّى سَأَلَهُ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا. قَالَ وَفِينَا سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ قَالَ فَوَضَعَ النَّبِيُّ يَدَهُ عَلَى سَلْمَانَ ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثَّرِيَا لَنَالَهُ رَجُلٌ مِّنْ هَؤُلَاءِ. (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) وقتی که سوره جمعه بر پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) نازل گردید و آن حضرت آیه وَ آخِرِينَ

مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ رَا حَافِظًا. مردی گفت: ای پیامبر خدا! مراد این آیه چه کسانی است؟ رسول خدا به او چیزی نگفت تا این که آن شخص یک بار، دوبار، یا سه بار سؤال کرد. راوی می گوید: سلمان فارسی در میان ما بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) دستش را روی دوش او نهاد، سپس فرمود: اگر ایمان به ستاره ثریا برسد، هر آینه مردانی از سرزمین این مرد به آن دست خواهند یافت. (صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۷۲، کتاب فضائل الصحابه)

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطَوْنَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ. (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ بعد) پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حاکمیت مهدی را فراهم می آورند.

عَبْدُ اللَّهِ : بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ مَرَّ فَتَيْئَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ ، فَقُلْنَا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّا لَا نَرَاهُ نَرَى فِي وَجْهِكَ شَيْئًا نَكْرَهُهُ! قَالَ : إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا ، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ بَعْدِي بَلَاءٌ وَتَطْرِيدٌ وَتَشْرِيدٌ ، حَتَّى يَخْرُجَ قَوْمٌ مِنْ هَاهُنَا - وَأَوَّماً بِيَدِهِ نَحْوَ الْمَشْرِقِ - مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ ، يَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ، وَيَسْأَلُونَ فَلَا يُعْطَوْنَ فَيُقَاتِلُونَ وَيَضْرِبُونَ ، فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ ، حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلُمًا وَجَوْرًا ، فَمَنْ أَدْرَكَهُمْ

فَلْيَأْتِيَهُمْ وَلَوْ حَبَوًّا عَلَى الثَّلْجِ. (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) «راوی بنام» عبد الله گوید: در خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نشسته بودیم که چند جوان قریشی از آن جا گذشتند. رنگ پیامبر دگرگون شد. عرض کردیم: ای پیامبر خدا! ما پیوسته در چهره شما حالت ناخوشایند و ناراحت کننده ای می بینیم! فرمود: ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا برگزید. پس از من این خانواده من گرفتار بلا و آوارگی و تبعید خواهند شد تا آن که مردمی از این جا - با دستش به مشرق اشاره کرد - با پرچمهای سیاه قیام کنند که حق را طلب می کنند اما به آنان نمی دهند. دوباره حق را می طلبد اما باز به آنان نمی دهند. پس دست به جنگ و مقاومت می زنند تا آن که خواسته آنان را می دهند اما ایشان نمی پذیرند تا آن را به مردی از خاندان من دهند که دنیا را بر او عدل و داد می کند همچنان که آکنده از انحراف و بیعدالتی شده بود. هر کس این مردم را درک کند، حتی اگر شده با خزیدن بر روی برف، به آنان بپیوندد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي فَارَس - : ضَرَبْتُمُوهُمْ عَلَى تَنْزِيلِهِ، وَ لَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَضْرِبَكُمْ عَلَى تَأْوِيلِهِ. (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در باره فارس ها (و خطاب به اعراب) فرمود: شما بر سر تنزیل قرآن با آنان جنگیدید و دنیا به آخر نرسد تا آن که آنان بر سر تأویل قرآن با شما بجنگند.

عنه صلى الله عليه وآله : لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُنَبَّغَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَجَمَ ، فليَضْرِبَنَّ رِقَابَكُمْ وَلْيَأْكُلَنَّ فَيْئَكُمْ وَلْيَكُونَنَّ أَسَدًا لَا يَفْرَوْنَ . (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود : حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند عجم را بر سر شما خواهد فرستاد که گردن شما را می‌زنند و غنایم شما را می‌خورند و شیرانی خواهند بود که نمی‌گریزند .

الإمام علي عليه السلام : كَأَنِّي بِالْعَجَمِ فَسَاطِطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ، يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ . (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) امام علی علیه السلام فرمود : گویی عجم را می‌بینم که در مسجد کوفه چادر زده اند و قرآن را همان گونه که نازل شده است به مردم می‌آموزند .

الإمام الصادق عليه السلام : سَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلْدَةٌ قُمْ وَأَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ ، وَذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبَةِ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى ظُهُورِهِ ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا . وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمْ وَأَهْلِهِ ، وَمَا قَصْدُهُ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ . (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) امام صادق علیه السلام فرمود : روزگاری خواهد آمد که شهر قم و مردمان آن بر دیگر مردمان حجت باشند . آن روزگار از زمان غیبت قائم علیه السلام ما تا هنگام ظهور اوست . اگر چنین نبود ، زمین اهل خود را درکامش فرو می‌برد . فرشتگان بلایا را

از قم و مردم قم دور می‌کنند. هیچ ستمگری قصد بدی نسبت به آنان نکند، مگر آنکه درهم شکننده ستمگران، او را درهم شکند.

عن الصادق علیه السلام - لِعَفَّانِ الْبَصْرِيِّ - : أَتَدْرِي لِمَ سُمِّيَ قُمْ؟ قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَأَنْتَ أَعْلَمُ ، قَالَ : إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ، وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيُسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيُنْصُرُونَهُ. (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) امام صادق علیه السلام - به عفان بصری - : آیا می‌دانی چرا گفته اند : قم؟ عرض کردم : خدا و پیامبرش و شما بهتر می‌دانید . فرمود : از آن رو قم را قم نامیده اند که مردم آن بر گرد قائم آل محمد صلوات الله علیه فراهم می‌آیند و همراه او قیام می‌کنند و در راه او پایداری می‌ورزند و یاریش می‌رسانند .

عنه عليه السلام - في قوله تعالى: «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» «اسراء آیه ۵» - : قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَا يَدْعُونَ وَتَرَا لَآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتْلَهُ . امام صادق علیه السلام - درباره آیه «بندگانمان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم تا در میان خانه‌ها [یتان برای قتل و کشتار شما] به جستجو درآیند» - : اینان مردمی هستند که خداوند، قبل از ظهور قائم علیه السلام، آنان را می‌فرستد و هرکس را که در حق آل محمد ستم کرده باشد، می‌کشند. [اهل بیت در قرآن و حدیث جلد دوم محمد محمدی ری شهری صفحه ۷۷۴ و الکافی : ۲۵۰ / ۸ / ۲۰۶ ، ۲۵۰ ،

تأویل الآيات الظاهرة : ۲۷۲ کلاهما عن عبدالله بن القاسم البطل ، تفسير العياشي : ۲ / ۲۸۱ / ۲۰ عن صالح بن سهل ، ميزان الحكمه جلد دوم محمد محمدی ری شهری صفحه ۱۵۶ و الکافي : ۲۵۰ / ۲۰۶ / ۸ ، دانشنامه قرآن و حدیث جلد یازدهم محمد محمدی ری شهری صفحه ۳۲ و الکافي : ج ۸ ص ۲۰۶ ح ۲۵۰ ، مختصر بصائر الدرجات : ص ۴۸ ، تأویل الآيات الظاهرة : ج ۱ ص ۲۷۸ ح ۷ کلها عن عبدالله بن القاسم البطل ، تفسير العياشي : ج ۲ ص ۲۸۱ ح ۲۰ عن صالح بن سهل وفيه «حرقوه» بدل «قتلوه» ، بحار الأنوار : ج ۵۱ ص ۵۶ ح ۴۶

بحار الأنوار عن بعض أصحابنا : كنت عند أبي عبد الله عليه السلام جالسا إذ قرأ هذه الآية : «فإذا جاء وعد أولاهما بعثنا عليكم عبادا لنا أولي بأس شديد فجاسوا خلال الديار وكان وعدا مفعولا» (اسراء آیه ۵) فقلنا : جعلنا فداك ، من هؤلاء؟ فقال ، ثلاث مرات : هم و الله أهل قم . بحار الأنوار - به نقل از یکی از شیعیان - : در حضور ابو عبد الله (امام صادق علیه السلام) نشسته بودم که این آیه را تلاوت کرد: «چون از آن دو [وعده]، وعده نخستین در رسد بندگان خویش را که جنگاورانی دلاورند بر سرتان فرستیم. آنها حتی درون خانه ها را هم می کاوند و این وعده ای انجام شدنی است». عرض کردیم: فدایت شویم، اینان کیانند؟ سه بار فرمود: به خدا قسم آنان مردمان قم هستند. [میزان الحكمه جلد دوم محمد محمدی ری شهری صفحه ۱۵۷ و بحار الأنوار : ۴۰ / ۲۱۶ / ۶۰]

تفسير العياشي : عن حمران ، عن أبي جعفر عليه السلام ، قال : كان يقرأ : «بعثنا عليكم عبادا لنا أولي بأس شديد» (اسراء آیه ۵) ثم قال : وهو القائم وأصحابه ، أولي بأس شديد . تفسير العياشي - به نقل از حمران - : امام باقر علیه السلام آیه : «بندگان از خود را که سخت جنگاور و نیرومندند، بر شما گماریم» را تلاوت نمود

و سپس فرمود: «قائم و یارانش، همان بندگان سخت جنگاور و نیرومندند». [دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ جلد هشتم محمد محمدی ری شهری صفحه ۲۷۰]

سنن الترمذی: تلا رسول الله صلى الله عليه وآله هذه الآية يوما: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» «محمد آیه ۳۸» قالوا: و من يستبدل بنا؟ قال: فضرب رسول الله صلى الله عليه وآله على منكب سلمان ثم قال: هذا وقومهم. سنن الترمذی: روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله آیه «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» را تلاوت کرد. گفتند: اینهایی که جای ما را خواهند گرفت کیانند؟ حضرت دست بر شانه های سلمان زد و فرمود: این مرد و قومش. [سنن الترمذی: ۵ / ۶۰]

عنه صلى الله عليه وآله لما تلا: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» «محمد آیه ۳۸» فسألوه: من هؤلاء الذين إن تولينا استبدلوا بنا؟ فقال وهو يضرب على منكب سلمان: هذا وقومهم، والذي نفسي بيده لو كان الإيمان منوطاً بالثريا لتناولهُ رجالٌ من فارس. (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) تفسیر المیزان: رسول خدا صلى الله عليه وآله ، چون آیه «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (خدا) جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود «سوره محمد، آیه ۳۸» را تلاوت کرد، از ایشان پرسیدند: اینهایی که اگر ما روی برتایم

خداوند آنها را جایگزین ما می‌کند، کیستند؟ حضرت در حالی که به شانه سلمان فارسی می‌زد، فرمود: این مرد و هموطنان او، سوگند به آن که جانم در دست اوست اگر ایمان به ثریا آویزان باشد، مردانی از فارس به آن دست می‌یابند.

الکافی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَطَلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» (اسراء آیه ۵) قَالَ: قَتَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَطَعَنَ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، «وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا» قَالَ: قَتَلَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فَإِذَا جَاءَ وَعُدُّ أُولِيهِمَا»، فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أَوْلَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ»: قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَا يَدْعُونَ وَتَرَأَ لَأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتَلُوهُ، «وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

الکافی - با سندش به نقل از عبد الله بن قاسم بطل - : امام صادق علیه السلام فرمود: «سخن خداوند متعال: «و در کتاب [تورات] به بنی اسرائیل اعلام کردیم که شما دو بار در زمین تباهی می‌کنید»، [دو بار تباه کردن] یعنی کشتن علی بن ابی طالب علیه السلام و نیزه زدن به حسن علیه السلام. «و گردنکشی بزرگی می‌کنید»، یعنی کشتن حسین علیه السلام. «و چون هنگام [کیفر] نخستین

تباهکاری فرارسید»، یعنی هنگام یاری برای انتقام خون حسین علیه السلام. «بندگانی سخت جنگاور را از خودمان بر شما می‌گماریم که تا درون خانه‌هایتان را بکاوند»، یعنی گروهی که خداوند، ایشان را پیش از قیام قائم بر می‌انگیزد و هیچ خون ریخته شده‌ای از خاندان محمد را و نمی‌نهند، جز آن که قاتلش را می‌کشند. «و این، وعده‌ای شدنی است»، یعنی خروج و قیام قائم». [حدیث و تاریخ جلد ششم محمد

محمدی ری شهری صفحه ۱۲]

تفسیر العیاشی: عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» «اسراء آیه ۴» قَتْلُ عَلِيِّ وَطَعْنُ الْحَسَنِ، «وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» قَتْلُ الْحُسَيْنِ «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» إِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ»؛ قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ، لَا يَدْعُونَ وَتَرَأَ لَأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا حَرَقُوهُ «وَوَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ. تفسیر العیاشی - به نقل از صالح بن سهل - : امام صادق علیه السلام فرمود: «و در کتاب [تورات] به بنی اسرائیل اعلام کردیم که شما دو بار در زمین تباهی می‌کنید»، [دو بار تباه کردن] یعنی کشتن علی بن ابی طالب علیه السلام و نیزه زدن به حسن علیه السلام. «و گردنکشی بزرگی می‌کنید»، یعنی کشتن حسین علیه السلام. «و چون هنگام [کیفر] نخستین تباهکاری فرا رسید»، یعنی هنگام یاری برای انتقام خون حسین

علیه السلام . «بندگان سخت جنگاور را از خودمان بر شما می‌گماریم که تا درون خانه هایتان را بکاوند» ، یعنی گروهی که خداوند، ایشان را پیش از خروج قائم بر می‌انگیزد و هیچ خون ریخته شده ای از خاندان محمد را و نمی‌نهند، جز آن که جنایتکارش را می‌سوزانند . «و این، وعده ای شدنی است» ، یعنی پیش از قیام

قائم» . [دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن ، حدیث و تاریخ جلد ششم محمد محمدی ری شهری صفحه ۱۴ {الوثر: الجنایة التي یجنیها الرجل علی غیره من قتل أو نهب أو سبي ، ومنه الموتور لمن قُتل له قتل فلم یدزک بدمه (النهاية: ج ۵ ص ۱۴۸ «وتر») . وقال العلامة المازندرانی: «ولعل المراد به المتصف بها» (شرح الكافي للمازندرانی: ج ۱۲ ص ۲۶۰) . وقال العلامة المجلسي: «قوله عليه السلام: «وترأ» ، الوتر - بالكسر - : الجنایة ، أي صاحب وتر وجنایة علی آل محمد صلی الله علیه و آله « (مرآة العقول: ج ۲۶ ص ۱۲۳)]

بحار الأنوار: روى بعض أصحابنا ، قال: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا ، إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا» «اسراء آیه ۵» فَقُلْنَا: جُعِلْنَا فِدَاكَ ، مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: هُمُ وَاللَّهِ أَهْلُ «قُم». بحار الأنوار - به نقل از یکی از یاران ما - : نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که این آیه: «هنگامی که موعد [کیفر] نخستین گردنکشی فرا رسد، بندگان سخت جنگاور را از خودمان بر شما می‌گماریم تا درون خانه‌هایتان را بکاوند و این، وعده‌ای شدنی است» را خواند. گفتم: فدایت شویم! این بندگان کیستند؟ سه بار فرمود: «به خدا سوگند،

آنان اهل قم هستند»، [دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ جلد ششم محمد محمدی ری شهری صفحه ۱۶]

دلائل الإمامة : عَنْهُ قَالَ : حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْمِنْقَرِيُّ الْكُوفِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ زَيْدٍ الدَّهَّانُ ، عَنْ مَكْحُولِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ رُسْتَمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالِدٍ الْمَخْزُومِيِّ ، عَنْ سُلَيْمَانَ الْأَعْمَشِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلْفٍ الطَّاطَرِيِّ ، عَنْ زَادَانَ ، عَنْ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي ذِكْرِ الْأَئِمَّةِ الْإِثْنِي عَشَرَ - : ... ثُمَّ ابْنُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّامِتِ الْأَمِينِ لِسِرِّ اللَّهِ ، ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ النَّاطِقِ الْقَائِمِ بِحَقِّ اللَّهِ . ثُمَّ قَالَ : يَا سَلْمَانُ ، إِنَّكَ مُدْرِكُهُ ، وَمَنْ كَانَ مِثْلَكَ ، وَمَنْ تَوَلَّاهُ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ . قَالَ سَلْمَانُ : فَشَكَرْتُ اللَّهَ كَثِيرًا ثُمَّ قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنِّي مُوَجِّلٌ إِلَى عَهْدِهِ ؟ قَالَ : يَا سَلْمَانُ اقْرَأْ : «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» «اسراء آیه ۵ و ۶» . قَالَ سَلْمَانُ : فَاشْتَدَّ بُكَائِي وَشَوْقِي ، ثُمَّ قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أُبْعِدُ مِنْكَ ؟ فَقَالَ : إِي وَاللَّهِ الَّذِي أَرْسَلَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ ، مِنِّي وَمِنْ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالتَّسْعَةِ ، وَكُلِّ مَنْ هُوَ مِنَّا وَمَعَنَا ، وَمُضَامٍ فِينَا ، إِي وَاللَّهِ يَا سَلْمَانُ ، وَلِيَحْضُرَنَّ إِبْلِيسُ وَجُنُودُهُ ، وَكُلُّ مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا وَمَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضًا ،

حَتَّى يُؤْخَذَ بِالْقِصَاصِ وَالْأُوتَارِ ، وَلَا يَظْلِمَ رَبُّكَ أَحَدًا ، وَيُحَقِّقُ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ : «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَلَمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» «قصص آیه ۵ و ۶». قَالَ سَلْمَانُ : فَقُمْتُ مِنْ بَيْنِ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَمَا يُبَالِي سَلْمَانُ مَتَى لَقِيَ الْمَوْتَ ، أَوِ الْمَوْتُ لَقِيَهُ. دلائل الإمامة - با سندش به نقل از زادن، در یادکرد امامان دوازده گانه - سلمان گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «... سپس فرزندش حسن بن علی، ساکت و امانتدار راز خدا، سپس فرزندش محمد بن حسن، هدایتگر هدایت یافته، سخنگو و قیام کننده به حق خداوند». سپس فرمود: «ای سلمان! تو او را درک خواهی کرد و هر کس مانند تو باشد و هر کس که او را با شناخت حقیقی، سرپرست خود بگیرد». خداوند را فراوان سپاس نهادم و آن گاه گفتم: ای پیامبر خدا! من تا روزگار او مهلت زندگی دارم؟ فرمود: ای سلمان! بخوان: «و چون هنگام [کیفر] نخستین تباہکاری فرا رسد، بندگان از خود را که سخت جنگاورند، به سوی شما می فرستیم که درون خانه ها را نیز می کاوند و این، وعده ای انجام شدنی است. سپس شما را دوباره بر آنها چیره می کنیم و با دارایی ها و پسران، یاری تان می دهیم و شما را پر شمارتر می کنیم». سلمان گفت: گریه شوقم شدت گرفت و سپس گفتم: ای پیامبر خدا! آیا این را تعهد می دهی؟ فرمود: «آری، سوگند به خدایی که محمد را

به حق فرستاد، تعهدی از من، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه [امام دیگر] و هر که از ما و با ماست و یا به خاطر ما به او ستم شده است. آری، به خدا سوگند، ای سلمان! ابلیس و سربازانش و نیز مؤمن ناب و کافر ناب، حاضر خواهند شد تا قصاص و خون بهای جنایت‌ها گرفته شوند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند و تأویل این آیه: «و بر آنیم که بر کسانی که در زمین، ناتوان شمرده شده‌اند، منت نهیم و آنان را پیشوا گردانیم و آنان را وارثان [روی زمین] کنیم، و آنان را در زمین، توانایی دهیم و با آنان چیزی را به فرعون و هامان و سپاهیان آن دو نشان دهیم که از آن می‌هراسیدند را محقق می‌کند». سلمان گفت: آن گاه از پیش روی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برخاستم. سلمان، دیگر اهمیتی نمی‌داد که چه هنگام مرگ، را دریابد، یا مرگ او را دریابد. [دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ جلد هشتم محمد محمدی ری شهری صفحه ۲۳۸ {الضَّيْمُ : الضَّلْمُ} (مجمع البحرين : ج ۲ ص ۱۰۹۱ «ضمیم»). الوتر : الجنایة التي یجنیها الرجل علی غیره (النهاية : ج ۵ ص ۱۴۸ «وتر»)]

دلائل الإمامة : عنه قال : حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْمِنْقَرِيُّ الْكُوفِيُّ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ زَيْدٍ الدَّهَّانُ ، عَنْ مَكْحُولِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ رُسْتَمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالِدٍ الْمَخْزُومِيِّ، عَنْ سُلَيْمَانَ الْأَعْمَشِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلْفِ الطَّاطِرِيِّ ، عَنْ زَادَانَ ، عَنْ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا ، وَلَا رَسُولًا ، إِلَّا جَعَلَ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لَقَدْ عَرَفْتُ

هَذَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ... ثُمَّ قَالَ : يَا سَلْمَانُ ، إِنَّكَ مُدْرِكُهُ ، وَمَنْ كَانَ مِثْلَكَ وَمَنْ تَوَلَّاهُ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ . قَالَ سَلْمَانُ : فَشَكَرْتُ اللَّهَ كَثِيرًا ثُمَّ قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَإِنِّي مُؤَجَّلٌ إِلَى عَهْدِهِ؟ قَالَ : يَا سَلْمَانُ اقْرَأ : «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» [اسراء آیه ۵ و ۶] قَالَ سَلْمَانُ : فَاشْتَدَّ بُكَائِي وَشَوْقِي ، ثُمَّ قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَبْعِدْ مِنْكَ؟ فَقَالَ : إِي وَاللَّهِ الَّذِي أَرْسَلَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ ، مَنِّي وَمَنْ عَلَيَّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالتَّسْعَةِ ، وَكُلُّ مَنْ هُوَ مِنَّا وَمَعَنَا وَمُضَامٌّ فِينَا ، إِي وَاللَّهِ يَا سَلْمَانُ ، وَلَيَحْضُرَنَّ إِبْلِيسُ وَجُنُودُهُ وَكُلُّ مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا وَمَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضًا ، حَتَّى يُؤْخَذَ بِالْقَصَاصِ وَالْأَوْتَارِ ، وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ، وَيُحَقِّقُ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكَِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» [قصص آیه ۵ و ۶] . قَالَ سَلْمَانُ : فَقُمْتُ مِنْ بَيْنِ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَمَا يُبَالِي سَلْمَانُ مَتَى لَقِيَ الْمَوْتَ أَوْ الْمَوْتُ لَقِيَهُ . دلائل الامامة - به نقل از سلمان - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «خداوند - تبارک و تعالی - پیامبر و فرستاده ای را برنیانگیخت جز آن که دوازده نقیب برای او قرار داد». گفتم: ای پیامبر خدا! این

را از مسیحیان و یهودیان فرا گرفته ام... سپس فرمود: «ای سلمان! تو او را درک می‌کنی و نیز هر کس مانند تو باشد و با معرفت کامل، او را ولّی خود بداند». خدا را فراوان شکر کردم و سپس گفتم: ای پیامبر خدا! من تا روزگار او زنده می‌مانم؟ فرمود: «ای سلمان! بخوان: «و چون موعد اولین از آن دو [کیفر طغیان بنی اسرائیل] رسید، بندگان جنگاور خود را به سوی شما روانه می‌کنیم تا درون خانه‌ها را نیز بکاوند و این وعده ای محقق شدنی است. سپس شما را باز می‌گردانیم و بر آنها غلبه و شما را با اموال و پسران باری می‌دهیم و تعدادتان را افزون‌تر می‌کنیم»». گریه شوقم شدّت گرفت و گفتم: ای پیامبر خدا! آیا شما هم خواهید بود؟ فرمود: «آری به خدایی که محمّد را به حق روانه داشت، با من و با علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان ثُ‌گانه، و نیز هر کس که از ما و با ما و رنج‌دیده در راه ماست. آری، به خدا سوگند - ای سلمان - ابلیس و سربازانش نیز حاضر خواهند بود و هر مؤمن حقیقی خواهد بود و نیز کافر حقیقی تا قصاص شود و تاوان جنایت‌ها را بدهد و خدای تو به کسی ستم نمی‌کند، و این آیه: «و ما می‌خواهیم که بر مستضعفان زمین مَنّت نهیم و آنان را امام و وارثان [زمین] قرار دهیم و آنان را در زمین، قدرت دهیم و به فرعون و هامان و سپاهشان، آنچه را از آن بیم داشتند، نشان دهیم» را محقق کند». پیش روی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایستادم [و گفتم]: سلمان را دیگر باکی نیست که چه هنگام، مرگ را ملاقات کند یا مرگ او را ملاقات کند! [دانشنامه امام مهدی

عجل الله فرجه بر پایه قرآن ، حدیث و تاریخ جلد دوم محمد محمدی ری شهری صفحه ۹۰
 {المَحْضُ: الخَالِصُ من كُلِّ شَيْءٍ (النهاية: ج ۴ ص ۳۰۲ «محض»). الأوتار: جمع وَتر وهي
 الجناية (النهاية: ج ۵ ص ۱۴۸ «وتر»)}]

عنه صلى الله عليه وآله - لَمَّا سُئِلَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...» «سوره مائده آیه ۵۴» فَقَالَ وَهُوَ يَضْرِبُ عَلَى عَاتِقِ سَلْمَانَ - : هَذَا وَذَوُوهُ ، ثُمَّ قَالَ : لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعْلَقًا بِالثَّرِيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسَ. (مجمع البيان : ۳۲۱/۳ و منتخب ميزان الحكمه و ميزان الحكمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - در پاسخ به سؤال از آیه «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از دین خود برگردد بزودی خدا مردمی را می آورد که آنها را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست می دارند...»، در حالی که به شانه سلمان می زد - فرمود: (آنان) این مرد و هموطنان اویند . سپس فرمود : اگر دین به ثریا آویخته باشد ، هرآینه مردانی از پارسیان به آن دست یابند.

عن النبي صلى الله عليه وآله : لَوْ كَانَ الْعِلْمُ بِالثَّرِيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسَ. (منتخب ميزان الحكمه و ميزان الحكمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود : اگر دانش در ثریا باشد ، بی گمان مردانی از پارسیان به آن دست یابند .
رسول الله صلى الله عليه وآله : لَوْ كَانَ الْعِلْمُ بِالثَّرِيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسَ. [کنز العمال : ۳۴۱۳۱] پیامبر خدا صلى الله عليه وآله

و آله فرمود: اگر دانش در ثریا باشد، بی گمان مردانی از ایران به آن دست یابند.

عن النبی صلی الله علیه و آله : لَوْ أَنَّ الدِّينَ مُعَلَّقٌ بِالثُّرَيَّا لَتَنَاولَهُ رِجَالٌ مِنْ أَبناءِ فَارِسَ [فردوس: ۳ / ۳۶۰] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر دین به ستاره ثریا آویخته باشد، همانا مردانی از پارسیان به آن دست می یابند.

عن النبی صلی الله علیه و آله - لَمَّا ذُكِرَتِ الْأَعْجِمُ عِنْدَهُ - : لَأَنَا بِهِمْ أَوْ بَعْضِهِمْ أَوْ ثِقٌ مِنِّي بَكُم أَوْ بَعْضِكُمْ. (کنز العمال: ۳۴۱۲۸ و منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگامی که در حضور ایشان از عجمها سخن به میان آمد - فرمود: اطمینان من به آنها یا برخی از آنان، بیشتر از اطمینانم به شما یا برخی از شماست.

عن النبی صلی الله علیه و آله : فَارِسٌ عُصْبَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ؛ لِأَنَّ إِسْمَاعِيلَ عَمُّ وَوُلْدَ إِسْحَاقَ ، وَإِسْحَاقَ عَمُّ وَوُلْدَ إِسْمَاعِيلَ . (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس از پارسیان اسلام آورد، از قریش به شمار می آید، آنان برادران و خویشان ما هستند.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيباً فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارِسَ. (کنز العمال: ۳۴۱۲۶. و منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۶۸ به بعد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بزرگترین سهم را در اسلام، مردم فارس دارند.

هَاهُ شَوْقًا إِلَى إِخْوَانِي مِنْ بَعْدِي
 قَالَ النَّبِيُّ: هَاهُ شَوْقًا إِلَى إِخْوَانِي مِنْ بَعْدِي ، فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ يَا
 رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْنَا إِخْوَانَكَ؟ قَالَ لَا أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي
 يَجِيئُونَ مِنْ بَعْدِي شَأْنُهُمْ شَأْنُ الْأَنْبِيَاءِ قَوْمٌ يَفِرُّونَ مِنَ الْأَبَاءِ وَ
 الْأُمَّهَاتِ وَ مِنَ الْإِخْوَةِ وَالْأَخَوَاتِ وَ مِنَ الْقَرَابَاتِ كُلِّهِمْ ابْتِغَاءَ
 مَرْضَاتِ اللَّهِ يَتَرَكُونَ الْمَالَ لِلَّهِ وَ يَذِلُّونَ أَنْفُسَهُمْ بِالتَّوَاضُّعِ لِلَّهِ لَا
 يَرْغَبُونَ فِي الشَّهَوَاتِ وَ فُضُولِ الدُّنْيَا مُجْتَمِعُونَ فِي بَيْتٍ مِنْ
 بُيُوتِ اللَّهِ كَأَنَّهُمْ غُرَبَاءُ مَحْزُونِينَ لِحُوفِ النَّارِ وَ حُبِّ الْجَنَّةِ فَمَنْ
 يَعْلَمُ قَدْرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَهُمْ قَرَابَةٌ وَ لَا مَالٌ يُعْطُونَ بِهَا
 بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَشْفَقُ مِنَ الْإِبْنِ عَلَى الْوَالِدِ وَ مِنَ الْوَالِدِ عَلَى
 الْوَلَدِ وَ مِنَ الْأَخِ عَلَى الْأَخِ هَاهُ شَوْقًا إِلَيْهِمْ يُفَرِّغُونَ أَنْفُسَهُمْ مِنْ
 كَدِّ الدُّنْيَا وَ نَعِيمِهَا بِنَجَاةِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ عَذَابِ الْأَبَدِ وَ دُخُولِ
 الْجَنَّةِ لِمَرْضَاةِ اللَّهِ... از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت
 شده که فرمود: آیا می دانید که اندوه و تفکر من در چیست و اشتیاقم
 به چیست؟ یارانش گفتند: نه، ای رسول خدا! ما هیچ چیز از این
 موضوع ندانیم، ما را از اندوه و تفکر و اشتیاق خود خبر ده. پیامبر
 صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اعن شاء الله خبر می دهم. سپس
 آهی دردناک کشید و فرمود: آه، چقدر مشتاق دیدار برادران خودم
 هستم که پس از من می آیند. ابوذر گفت: ای رسول خدا! مگر ما
 برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه، شما یاران منید، ولی برادرانم پس از

من می آیند، شأن آنان مثل شأن انبیاست، آنان گروهی اند که برای رضای خدا از پدران و مادران و برادران و خواهران و تمام خویشان خود می گریزند، مال را برای خدا واگذارند و خود را جهت تواضع در برابر خدا زبون سازند، در شهوات و زیادی های دنیا رغبت نکنند، و چون غریبان در یکی از خانه های خدا گرد آیند، می بینی که از بیم آتش و دوستی بهشت محزون و دلتنگ اند، چه کسی از قدر و منزلت آنان نزد خدا باخبر است؟ هیچگونه رابطه خویشی و مالی با یکدیگر ندارند که بدان سبب به هم حسد برند، به یکدیگر از پدر و مادر نسبت به فرزند و از برادر نسبت به برادر مهربانترند. آه، چقدر مشتاق دیدارشان هستیم! و در راه رضای خداوند خود را از زحمت دنیا و نعمت های آن آسوده ساخته تا جان خود را از عذاب همیشگی نجات بخشیده و داخل بهشت گردند. [التحصین فی صفات العارفين، ص ۲۳ و ۲۴؛ بحر المعارف جلد اول عالم ربانی و عارف صمدانی مولی عبدالصمد همدانی تحقیق و ترجمه: حسین استاد ولی]

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: لَيْسَ إِيْمَانٌ مِّن رَّأْيِي بَعَجِبٍ وَ لَكِنَّ الْعَجَبَ كُلَّ الْعَجَبِ لِقَوْمٍ رَأَوْا أَوْراقاً فِيهَا سَوَادٌ فَأَمَنُوا بِهِ أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ. [كنز العمال: ۷۰۴] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان آوردن کسی که مرا دیده شگفت آور نیست بلکه شگفتی بسیار از مردمانی است که [تنها] برگه هایی نوشته شده دیدند و از ابتدا تا انتها به آن، ایمان آوردند.

کنز العمال : عنه صلى الله عليه وآله : متى ألقى إخواني؟! قالوا : ألسنا إخوانك؟ قال : بل أنتم أصحابي ، و إخواني الذين آمنوا بي و لم يروني ، أنا إليهم بالأشواق. [کنز العمال : ۳۴۵۸۳]
 کنز العمال : پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود : کی برادران خود را دیدار می کنم؟! عرض کردند: مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: شما همراهان من هستید؛ برادران من کسانی اند که نادیده به من ایمان آوردند. من به [دیدار] آنان شوق بسیار دارم.

دلائل النبوة للبيهقي : عنه صلى الله عليه و آله : أي الخلق أعجب إليكم إيماناً؟ قالوا : الملائكة، قال : وما لهم لا يؤمنون و هم عند ربهم؟! قالوا : فالتبىون ، قال : و ما لهم لا يؤمنون و الوحي ينزل عليهم؟! قالوا: فنحن ، قال : و ما لكم لا تؤمنون و أنا بين أظهركم؟! إن أعجب الخلق إلي إيماناً لقوم يكونون بعدكم يجدون ضحفاً فيها كتاب يؤمنون بما فيها. [دلائل النبوة للبيهقي: ۶ / ۵۳۸]
 دلائل النبوة للبيهقي : پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود : برای شما ایمان کدامین آفریدگان شگفت آورتر است؟ عرض کردند: فرشتگان. فرمود: آنها که نزد پروردگارشان هستند، چرا نباید ایمان بیاورند؟! عرض کردند: پس، پیامبران. فرمود: آنان چرا نباید ایمان بیاورند، با آن که وحی بر ایشان نازل می شود؟! عرض کردند: پس، ما. فرمود: شما چرا نباید ایمان بیاورید، در صورتی که من میان شما هستم؟! [بدانید] شگفت آورترین ایمان به نظر من،

ایمان مردمانی است که بعد از شما می آیند و میان کتاب ها [ای آسمانی] کتابی را می یابند و به نوشته های آن ایمان می آورند.

[المجالس] ، للمفید عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي يَشْكُرَ الْبَلْخِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عُبَيْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبٍ الْقُرْظِيِّ عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ يَا لَيْتَنِي قَدْ لَقِيتُ إِخْوَانِي فَقَالَ لَهُ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ أَوْلَسْنَا إِخْوَانَكَ آمَنَّا بِكَ وَ هَاجَرْنَا مَعَكَ قَالَ قَدْ آمَنْتُمْ وَ هَاجَرْتُمْ وَ يَا لَيْتَنِي قَدْ لَقِيتُ إِخْوَانِي فَأَعَادَ الْقَوْلَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَ لَكِنْ إِخْوَانِي الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِكُمْ يُؤْمِنُونَ بِي وَ يُحِبُّونِي وَ يَنْصُرُونِي وَ يُصَدِّقُونِي وَ مَا رَأُونِي فَيَا لَيْتَنِي قَدْ لَقِيتُ إِخْوَانِي.

[بحار الأنوار جلد ۵۲، صفحه ۱۳۲، ترجمه أمالی شیخ مفید، جلد ۱،

صفحه ۷۶] عوف بن مالک گوید روزی رسول خدا ص فرمود ای کاش برادرانم را می دیدم ابو بکر و عمر گفتند آیا ما برادران شما نیستیم ما به شما ایمان آورده و با شما هجرت نموده ایم حضرت فرمود البته شما ایمان آورده و هجرت نموده اید اما ای کاش من برادرانم را می دیدم ان دو نفر سخن خود را تکرار کردند حضرت فرمود شما اصحاب منید لکن برادران من کسانی هستند که پس از من می آیند به من ایمان آوردند و مرا دوست داشته و تصدیقم نمایند و حال آنکه مرا ندیده اند ای کاش برادرانم را می دیدم . ترجمه مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم (علیه السلام) (ترجمه)، جلد ۱، صفحه

۴۲۱ و نیز در بحار در حدیث دیگری از عوف بن مالک آمده که گفت روزی رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود ای کاش برادرانم را ملاقات می کردم ابو بکر و عمر عرضه داشتند مگر ما برادرانت نیستیم به تو ایمان آوردیم و با تو هجرت کردیم فرمود ایمان آوردید و هجرت کردید و ای کاش برادرانم را می دیدم بار دیگر سخنشان را تکرار کردند پس رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود شما اصحاب من هستید ولی برادرانم کسانی هستند که پس از شما می آیند درحالی که مرا ندیده باشند به من ایمان آورند و مرا دوست دارند و یاری ام نمایند و تصدیق کنند پس ای کاش برادرانم را ملاقات کنم .

عَنِ الْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَذْكُرُ فِيهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ وَ اعْلَمْ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَبَبَتْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ عَلَى بَيَاضٍ. [كمال الدين و تمام النعمة ، جلد ۱ ،

صفحه ۲۸۸] امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان از علی بن ابیطالب علیهم السلام در ضمن حدیثی طولانی که وصیت پیامبر اکرم را ذکر می کند چنین روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله به علی علیه السلام فرمود ای علی بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم ترین آنها از روی یقین مردمی هستند که در آخرالزمان خواهند بود پیامبر را ندیده اند و از امام نیز

محبوبند اما به سوادى که بر بیاضى رقم خورده است ایمان دارند .
 [هزار و یک نکته پیرامون امام زمان (عج)، جلد ۱، صفحه ۳۶۲]
 امیر المومنین علیه السلام فرمود : ...قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ
 الزَّمَانِ يَشْرِكُونَنَا فِيمَا نَحْنُ فِيهِ وَ يُسَلِّمُونَ لَنَا فَأُولَئِكَ شُرَكَائُنَا
 فِيمَا كُنَّا فِيهِ حَقًّا حَقًّا. [بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱، ح ۳۲] مؤمنان
 آخرالزمان، در کارها و فداکاری های نیک و بزرگ مسلمانان صدر
 اسلام شریک اند.

الغیبة للشیخ الطوسی الفضل عن ابن محبوب عن عبد الله بن
 سنان عن أبي عبد الله ع قال قال رسول الله ص سيأتي قوم
 من بعدكم الرجل الواحد منهم له أجر خمسين منكم قالوا يا
 رسول الله نحن كنا معك بدر و أحد و حنین و نزل فينا
 القرآن فقال إنكم لو تحملوا لما حملوا لم تصبروا صبرهم.
 [بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶] به زودی گروهی بعد از شما می
 آیند که يك نفر از آنان اجر پنجاه نفر از شما (صحابه) را دارد.
 اصحاب گفتند: «یا رسول الله! ما با تو در بدر و احد و حنین شرکت
 داشتیم و قرآن در میان ما نازل شد». پیامبر فرمود: «اگر بر شما وارد
 می شد آن چه آنان تحمل می کنند، مانند صبر آنان صبر نمی کردید»
 الکافی عن الوشاء عن بعض أصحابه عن الإمام الصادق علیه
 السلام : إنا صَبَرٌ وَشِيعَتُنَا أَصْبَرُ مِنَّا ، قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، كَيْفَ
 صَارَ شِيعَتُكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ ؟ قَالَ : لَأَنَا نَصَبِرُ عَلَى مَا نَعْلَمُ ،
 وَشِيعَتُنَا يَصْبِرُونَ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ . [الکافی: ۲/۹۳/۲۵] الکافی -

به نقل از وُشاء از بعضی از یارانش - : امام صادق علیه السلام فرمود :
ما صابریم اما شیعیان ما، از ما صابترند . عرض کردم : فدایت شوم ،
چگونه می شود که شیعیان از شما صابتر باشند؟ فرمود : چون ما
بر آنچه می دانیم صبر می کنیم و شیعیان ما بر آنچه نمی دانند صبر
می کنند .

ترجمان احادیث

ترجمان "رجل من اهل قم" مردی از قم قیام می کند

۱. خبرگزاری رسا: امام جمعه موقت قم، حجت الاسلام و المسلمین
سعیدی، شب ۲۱ بهمن ماه ۸۸ در مسجد اهل البیت قم: «امام
خمینی(ره) از طریق استاد عرفانش آیت الله شاه آبادی در جریان این
قیام و نهضت عظیم الهی قرار گرفت و بی خبر از وقوع این نهضت
نبود. آیت الله نصرالله شاه آبادی فرزند آیت الله شاه آبادی، استاد امام
خمینی(ره) که الان در قم تشریف دارند می گفتند که من در سال
۴۳ خوابی دیدم که در خوزستان نخل ها قطع و آتش همه جا را
فراگرفته است و امام حسین (ع) در خیمه ای نشسته اند و بسیار
ناراحت هستند و دو زن دیگر نیز در خیمه کناری ایشان مشغول
ناسزا هستند و این قدر فهمیدم که ظاهراً آنها دو زن پیغمبر هستند،
این خواب را به امام خمینی گفتم و از ایشان خواستم آن را تعبیر
کنند. امام ابتدا تنها گفتند خیر است؛ اما با اصرار من و با شرط اینکه
به عنوان راز تا هنگام زنده بودن ایشان، برای کسی بیان نکنم،

فرمودند که ما از نجف به ایران می رویم، شاه می رود و نهضت پیروز می شود، در ابتدای نهضت از طرف برخی از فرقه ها توطئه هایی علیه نظام می شود؛ اما همه آنها خنثی می شود بعد از آن، از طریق عراق از خوزستان به ایران حمله می شود و حتی در این جنگ یکی از اعضای خانواده شما هم شهید می شوند؛ اما باز هم ما پیروز می شویم. ... تا اینجا تعبیر خواب شما بود؛ اما پدر شما سیر نهضت را از ابتدا تا انتها برای من گفته اند و من همه آن را می دانم.»

۲. شبکه ایران، به نقل از کتاب خاطرات آیت الله سید علی اکبری قرشی آیت الله سید علی اکبر قرشی روحانی برجسته آذربایجان و دارای سابقه عضویت در تمام دوره های مجلس خبرگان رهبری است، من به آیت الله خزعلی کتبا نوشتم که: «بسم الله الرحمن الرحيم. حضرت آیت الله خزعلی دامت برکاته! سلام علیکم و رحمة الله. راجع به اینکه آقای لطیفی دو دفعه مژده پیروزی را از طرف امام زمان (عجل الله فرجه) به حضرت امام آورد، توضیح فرمایید.» ایشان با خط خود در جواب نوشت: "بسم الله الرحمن الرحيم! ۱. پیام به پاریس که فرمودند: شاه می رود، نگران نباشید! امام راحل سؤال می کند: با خون ریزی یا بی خون ریزی؟ [آقای لطیفی] می گوید: امام (علیه السلام) فرمود: بی خونریزی! ۲. روز بیست و دوم بهمن [در نوشته آیت الله خزعلی ۲۲ بهمن نوشته شده، ولی پیام امام خمینی مبنی بر بیرون آمدن از منازل مربوط به ۲۱ بهمن است] توضیح آیت الله قرشی، پیام مبنی بر اینکه در خانه

نمانید، بیرون بریزید و گرنه کشته خواهید شد! به وسیله همین پیام، امام خمینی اعلام فرمود به حکومت نظامی اهمیت ندهید و بریزید بیرون. در نتیجه مردم تهران بیرون ریختند، حتی خانواده های خود را آوردند و در خیابان ها نشستند، دیگر در تهران به هیچ وجه امکان آمدن تانک و امثال اینها نبود؛ بنابراین آن توطئه خطرناکی که در نظر بود تا صدها تانک را وارد تهران کنند و با خونریزی انقلاب را از بین ببرند و محل اقامت امام را بمباران نمایند، منتفی شد. [اسناد کودتای گسترده طراحی شده برای این روز، پس از پیروزی انقلاب به دست آمد و معلوم شد با دستور امام مبنی بر حضور در خیابان ها کاملاً امکان آن کودتا از بین رفته است].

این موضوع را آقای خزعلی، هم شفاهی شهادت داد و هم به صورت کتبی نوشت و تأیید کرد. مسئله دیگر در همین موضوع، خاطره آقای مرتضایی فر است. به نقل از شماره ۱۴ مجله انتظار موعود:

"ما روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ در منزل آیت الله طالقانی نشسته بودیم. به ایشان گفتند: امام پیام داده که مردم در خانه های خود نمانند، بیرون بریزند و به حکومت نظامی اهمیت ندهند. آقای طالقانی گفت: امام مدت پانزده سال از ایران دور بوده اند و توجه ندارند که این دژخیمان رژیم چه بی رحم هستند. اگر مردم بیرون بریزند، همه را قتل عام می کنند؛ بنابراین صلاح در آن است که در منازل و خانه ها بنشینیم، ببینیم عاقبت کار چه می شود. بعد مرحوم طالقانی با امام حدود نیم ساعت تلفنی گفت و گو کرد تا شاید امام را قانع کند که

مردم را از خانه هایشان بیرون نیاورند. ما حرف های آقای طالقانی را شنیدیم که سعی داشت امام را هر طور شده، از تصمیم خود مبنی بر بیرون آمدن مردم از خانه ها و اهمیت ندادن به حکومت نظامی، منصرف نماید. تا اینکه آقای طالقانی گوشی را گذاشت و در گوشه ای زانوانش را بغل گرفت و ساکت ماند. حتی سرش را روی زانوانش تکیه داد و به فکر فرو رفت. ما با خود گفتیم حتماً امام حرفی زده و مثلاً به ایشان گفته شما دخالت نکنید و...؛ بنابراین آقای طالقانی ناراحت شده است. اما چیزی نگفتیم تا اینکه ایشان یک دفعه سر از زانوانش برداشت و به حالت طبیعی و عادی برگشت. سؤال کردیم: آقا چه شده؟ آیا امام به شما پرخاش کردند یا حرفی گفتند که شما ناراحت شدید؟ آقای طالقانی گفت: نه، نه، اصلاً مسئله این نیست. من اصرار کردم که امام اعلامیه هایش را پس بگیرد و امام هرچه می گفت، من قانع نمی شدم، در آخر فرمود: آقای طالقانی، اصرار نکن، احتمال بده که این دستور از طرف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. تا امام این جمله را گفت، من به خود لرزیدم و بی اختیار گوشی را گذاشتم و حالم دگرگون شد. [خاطرات آیت الله سید علی اکبری قرشی، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۳۳ تا ۱۳۶]

۳. مگر حضرت بقیه الله به من خلاف میفرماید! آقای کوثری، روضه خوان امام راحل: «یکی از فضایی مشهد، به نقل از یکی از دوستانشان نقل کردند که در نجف اشرف در خدمت امام بودیم و صحبت از ایران به میان آمد. من گفتم این چه فرمایش هایی است که

در مورد بیرون کردن شاه از ایران می فرمایید؟ یک مستأجر را نمی شود از خانه بیرون کرد، آن وقت شما می خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟ امام سکوت کردند. من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده اند. سختم را تکرار کردم. امام برآشفتمند و فرمودند: فلانی چه می گویی؟ مگر حضرت بقیة الله صلوات الله علیه به من خلاف می فرماید؟ شاه باید برود!» [ن.ک: فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۴].

ترجمان "فیوژن" للمهدی سلطانه "زمینه سازی ظهور

۱. «انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد!» [صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۷. آخرین پیام نوروزی امام راحل].
 ۲. «امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیه الله (ارواحنا له الفداء) باشد. من تبریک می گویم بر همه مؤمنین، بر همه مستضعفین جهان، بر همه مسلمین جهان!» [صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۳۱].

۳. «امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود.» [صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۶۲].

۴. «ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت

صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران، خاتمه می دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می کنیم.» [صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۲].

ترجمان "و لایدفعونه الا الی صاحبکم" جمهوری اسلامی ایران را جز به امام زمان تحویل نمی دهند!

۱. «با ائکال به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور، امام زمان (سلام الله علیه) این مقصد را به آخر برسانید و خواهید رسانید.» [صحیفه نور امام، ج ۱۴، ص ۳۳۰].

۲. «خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی [جمهوری اسلامی] را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود - ارواحنا لمقدمه الفداء - رد کنیم.» [صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۷۲].

۳. حکومت اسلامی تشکیل می دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می سپاریم! علی محمد بشارتی - وزیر اسبق کشور: در تابستان سال ۵۸، هنگامی که مسؤول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتیم که آقای شریعتمداری در مشهد گفته است: من بالاخره علیه امام اعلام جنگ می کنم! من خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارش، خبر مذکور را هم گفتم. ایشان سرش پایین بود و گوش می داد، این جمله را که گفتم سر بلند کرد و فرمود: «اینها چه میگ ویند! پیروزی ما را خدا تضمین کرده است. ما موفق می شویم! در اینجا حکومت اسلامی

تشکیل می دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می سپاریم.» پرسیدم: خودتان؟ امام سکوت کردند و جواب ندادند. [محمد محمدی ری شهری، کیمیای محبت، ص ۷۲].

انقلاب اسلامی ایران در سیره و سخن امام خامنه ای فلسطین، کلید رمزآلود فرج؛ بیان امام خامنه ای در سومین کنفرانس بین المللی قدس: «اگر فلسطین را پرچم این جهاد بنامیم، سخنی به گزاف نگفته ایم. امروز همه دنیای اسلام باید قضیه فلسطین را قضیه خود بداند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می گشاید» [۲۵ فروردین ۸۵].

سید حسنی بودن امام خامنه ای؛ خبرگزاری فارس: آیت الله صدیقی از عرفای بصیر و امام جمعه موقت تهران در شهریور ۸۸ در مهدیه امام حسن مجتبی، مطلب شگفتی را با یک واسطه از شهید هاشمی نژاد نقل کردند: قبل از انقلاب، وقتی حضرت آقا جوان بودند، همراه شهید هاشمی نژاد سفری به رشت داشتند، در زمان حضورشان در رشت درباره اینکه آیا شخص عالم و عارفی هست که برای کسب فیض به دیدار ایشان بروند از مردم می پرسند. نشانی شخصی به نام آقا سیدصفی را به آقا می دهند که گویا دارای کراماتی بودند. حضرت آقا به همراه شهید هاشمی نژاد، قصد دیدار آقا سید صفی را می کنند و به منزل ایشان می روند. آقا سیدصفی در حالی که عده ای شیخ و مرید دور ایشان حلقه زده بودند، هنگامی که چشمشان به حضرت آقا می افتد، بلند می شوند و با حالت استقبال به طرف آقا می آیند و آقا را

این گونه خطاب می کنند که: مرحبا به سیدحسن، این در حالی بوده که طرفین همدیگر را نمی شناخته و ندیده بودند. آقا می فرمایند من سید حسینی هستم نه حسنی، آقا سیدصفی اشاره می کنند که مادر شما سیدحسنی هستند و شما از طرف مادر حسنی هستید. سپس با حضرت آقا مشغول صحبت می شوند و اشاره می کنند که شما در آینده مقامی پیدا می کنید که امور این مملکت تحت امر شماست. آیت الله صدیقی یادآور شدند که این مطلب را در حضور جمعی، بر امام خامنه ای عرضه کرده اند و ایشان هم آن را تایید کرده اند.

و اما امروز

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب آیه ۲۳) در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدهی که با خدا بستند، صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند [و در راه خدا شربت شهادت نوشیدند] و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. [با توجه به مفهوم آیه برادران هم‌رزم ما شهید شدند و رفتند «مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ» اینک ما باید راه آنان را ادامه دهیم «وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ» و این پرچم را بردوش گیریم و...]

وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ (انفال آیه ۲۶) و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین، مردمی

اندک و مستضعف بودید، می‌ترسیدید مردم شما را بربایند، پس [خدا] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد. باشد که سپاس‌گزاری کنید. {اینک ما باید بیاد آوریم دوران ستمشاهی را که «وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ» ضعیف و ناتوان شمرده میشدیم و ما را چیزی به حساب نمی‌آوردند اما امروز قدرتهای برتر دنیا از ما درهراس‌اند، قدر دان این نعمت امنیت و آزادی باشیم «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و این نعمت را پاس بداریم و...}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَ مَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. (آل عمران آیه ۱۵۶) ای کسانی که ایمان آورده اید، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیده‌اند؛ و به برادرانشان - هنگامی که به سفر رفته [و در سفر مردند] و یا جهادگر شدند [و کشته شدند]، گفتند: اگر نزد ما مانده بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند. [شما چنین سخنانی مگویید] تا خدا آن را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد و خدا [ست که] زنده می‌کند و می‌میراند؛ و خدا [ست که] به آنچه می‌کنید، بیناست. {این آیه هم دستوری است برای امروز ماها که در راه انقلاب شهیدانی و مجروحانی و... داده ایم}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات آیه ۶) ای کسانی که ایمان

آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبر می‌آورد، نیک و ارسی کنید، مبدا به نادانی، گروهی را آسیب برسانید و [سپس] از آنچه کرده اید پشیمان شوید! {ولین دستور امروز هم برای ماها است که به بعضی از اخبار فاسقها و فاجرها... گوش ندهیم و تحت تاثیر قرار نگیریم و...}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ. (آل عمران آیه ۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده اید، از غیر خودتان، [دوست و] همراه مگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنان آشکار است؛ و آنچه سینه هایشان نهان می‌دارد، بزرگ تر است. در حقیقت، ما نشانه‌ها [ی دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید. {وسعی کنیم دشمنان اسلام و انقلاب را دوست و... ندانیم که هیچگاه دوست نخواهند شد و...}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ... (ممتحنه آیه ۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند. و... إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ (ممتحن آیه ۹) و... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى أَوْلِيَاءَ (مائده آیه ۵۱) و...}

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَفْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَفِرُّ الْغَنَمُ عَنِ الذِّئْبِ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ الْأَوَّلُ يَرْفَعُ الْبَرَكَهَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَ الثَّانِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَائِرًا وَ الثَّالِثُ يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلَا إِيْمَانٍ؛ (بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۵۳ - ۴۵۴) زمانی خواهد رسید که مردم (امت من) از عالمان همان گونه که گوسفند از چنگ گرگ می گریزد، فرار می کنند. (پس آن گاه که چنین شود) خداوند آنان را به سه چیز گرفتار می کند: اول آنکه برکت را از اموال آنان بر می گیرد؛ دوم آنکه سلطان زورگویی بر ایشان مسلط می سازد؛ و سوم آنکه آنان را بی ایمان از دنیا خارج می کند.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: أَكْرَمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛ (نهج الفصاحه، حدیث ۴۵۰، ج ۱، ص ۲۳۸) دانشمندان را گرامی دارید که آنها وارثان پیامبرانند و هر که آنان را احترام نماید، خدا و رسولش را احترام نموده است. امام علی علیه السلام فرمود: لَا تُحَقِّرَنَّ عَبْدًا آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَحَقِّقْهُ حِينَ آتَاهُ إِيَّاهُ (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۴)؛ بنده ای (کسی) را که خدا علم و دانش داده (توفیق عطاء فرموده و اسباب کارش را جور کرده تا علم و دانش آموخته و دانشمند شده) حقیر و کوچک مشمار، زیرا خدا هنگامی که به او علم داده او را حقیر و کوچک نشمرده.

کتابهای الکترونیکی ما :

در اینترنت ، وب سایت ما «بنام هدایت hedayat.tv» در فهرست عناوین مطالب - در عنوان اشعار باقری اشعار و سروده های ما موجود است ، و در عنوان کتاب موبایل باقری ، کتابهای الکترونیکی ، موبایلی ما با عناوین زیر موجود است:

همراه زائرین عتبات عالیات «چاپ اول آن به اتمام رسیده» ، قرآن مجید ۱۱۴ سوره ای ، قرآن مجید سی جزئی برای ماه مبارک رمضان ، نهج الفصاحه ، نهج البلاغه ، حلیه المتقین ، خصال شیخ صدوق ، ریاحین الشریعه ، ثواب الاعمال ، امالی شیخ صدوق و شیخ مفید ، تحریر الوسیله ، کلیات مفاتیح الجنان «با انضمام باقیات الصالحات» ، مقتل خوانی «حاوی کتب مقاتل ابی مخنف - سید بن طاووس - مرقم - روضة الشهداء - مقتل امام حسین» ، منازل الآخرة ، نزهة النواظر ، چهارده معصوم علیهم السلام به ترتیب نام از معصوم اول تا معصوم چهاردهم ، حضرت زینب «س» ، حضرت عباس «ع» ، فاطمه ام البنین «س» ، فاطمه معصومه «س» ، رساله توضیح المسائل بیست و پنج مرجع هم جدا جدا و هم ۲۵ رساله بصورت یکجا ، ذکر خدا ، روضه خوانی ، محرم و صفر ، پنجاه روز عزاداری از اول محرم تا اربعین ، پیام رهبری «پیامهای نوروزی و سخنرانیهای اول هر سال از سال ۶۹ تا ۹۴» ، کشکول باقری حاوی ۵۰۰۰ صفحه مطالب گوناگون ، امام روح الله «زندگینامه و مقالات در رابطه با حضرت امام خمینی ره» ، منتخب قوانین «قوانین کاربردی دادگاهها» ، منتخب دادخواستها «نمونه دادخواستها و شکوائیه ها» ، آداب معنوی ، گنجینه معنوی ، سیاحت غرب ، احادیث فارسی ، معجم احادیث ، صدچهل حدیث ، احکام نماز ، احکام روزه ، بهجت عارفان «زندگینامه آیه الله بهجت ره» ، فضائل و رذائل «درباب اخلاق» ، هزار عنوان «برای منبر و سخنرانی» ، جهاد و شهادت ، راهیان نور ، شهدا و جبهه ها ، زنان نمونه ، ختومات هُدا ، ماه رجب «اعمال ماه رجب» ، ماه شعبان «اعمال ماه شعبان» ، ماه رمضان «اعمال ماه رمضان» ، همراه زائرین مکه و مدینه ، همراه زائرین سوریه ، همراه زائرین مشهد الرضا «ع» ، سه هزار داستان ، و چندین کتاب موبایل دیگر...

به علاوه ده ها عنوان مقاله که در سایت ما موجود است

سید محمد باقری پور : مدیر سایت هدایت : «www.hedayat.tv» ، ایمیل : «hodarayaneh@gmail.com» ، تلفن همراه : «۰۹۱۵۵۸۱۹۲۳۰»

پرو فایل مؤلف کتاب : در سایت هدایت موجود است

کتابهای الکترونیکی ما :

در اینترنت ، وب سایت ما «بنام هدایت hedayat.tv» در فهرست عناوین مطالب - در عنوان اشعار باقری اشعار و سروده های ما موجود است ، و در عنوان کتاب موبایل باقری ، کتابهای الکترونیکی ، موبایلی ما با عناوین زیر موجود است:

همراه زائرین عتبات عالیات «چاپ اول آن به اتمام رسیده» ، قرآن مجید ۱۱۴ سوره ای ، قرآن مجید سی جزئی برای ماه مبارک رمضان ، نهج الفصاحه ، نهج البلاغه ، حلیه المتقین ، خصال شیخ صدوق ، ریاحین الشریعه ، ثواب الاعمال ، امالی شیخ صدوق و شیخ مفید ، تحریر الوسیله ، کلیات مفاتیح الجنان «با انضمام باقیات الصالحات» ، مقتل خوانی «حاوی کتب مقاتل ابی مخنف - سید بن طاووس - مرقم - روضة الشهداء - مقتل امام حسین» ، منازل الآخرة ، نزهة النواظر ، چهارده معصوم علیهم السلام به ترتیب نام از معصوم اول تا معصوم چهاردهم ، حضرت زینب «س» ، حضرت عباس «ع» ، فاطمه ام البنین «س» ، فاطمه معصومه «س» ، رساله توضیح المسائل بیست و پنج مرجع هم جدا جدا و هم ۲۵ رساله بصورت یکجا ، ذکر خدا ، روضه خوانی ، محرم و صفر ، پنجاه روز عزاداری از اول محرم تا اربعین ، پیام رهبری «پیامهای نوروزی و سخنرانیهای اول هر سال از سال ۶۹ تا ۹۴» ، کشکول باقری حاوی ۵۰۰۰ صفحه مطالب گوناگون ، امام روح الله «زندگینامه و مقالات در رابطه با حضرت امام خمینی ره» ، منتخب قوانین «قوانین کاربردی دادگاهها» ، منتخب دادخواستها «نمونه دادخواستها و شکوائیه ها» ، آداب معنوی ، گنجینه معنوی ، سیاحت غرب ، احادیث فارسی ، معجم احادیث ، صدچهل حدیث ، احکام نماز ، احکام روزه ، بهجت عارفان «زندگینامه آیه الله بهجت ره» ، فضائل و رذائل «درباب اخلاق» ، هزار عنوان «برای منبر و سخنرانی» ، جهاد و شهادت ، راهیان نور ، شهدا و جبهه ها ، زنان نمونه ، ختومات هُدا ، ماه رجب «اعمال ماه رجب» ، ماه شعبان «اعمال ماه شعبان» ، ماه رمضان «اعمال ماه رمضان» ، همراه زائرین مکه و مدینه ، همراه زائرین سوریه ، همراه زائرین مشهد الرضا «ع» ، سه هزار داستان ، و چندین کتاب موبایل دیگر...

به علاوه ده ها عنوان مقاله که در سایت ما موجود است

سید محمد باقری پور : مدیر سایت هدایت : «www.hedayat.tv» ، ایمیل : hodarayaneh@gmail.com ، تلفن همراه : «۰۹۱۵۵۸۱۹۲۳۰»

پرو فایل مؤلف کتاب : در سایت هدایت موجود است

